

بلوک چپ انقلابی و آلترناتیو حکومت شورائی

خامنه‌ای خشت برآب می‌زند!

اسلامی نیست. وضعیت اقتصادی همچنان رو به وخامت است. اوضاع سیاسی بگونه لیست که صلاحیت ولی فقیه و توانائی حکومت اسلامی در اداره امورحتی آشکارا از درون دستگاه روحانیت ویرخی نهادهای و جناههای دیگر دستگاه حکومتی زیر علامت سئوال قرار گرفته است. خواستهای مردم تحقق نیافتنه و نارضایتی بطور مدام افزایش می‌یابد.

همگان تشیید بحرانها را به چشم می‌بینند و هر فرد، دسته، طبقه و خوبی از زاویه منافع طبقاتی خود به لین بحرانها و راه حل آنها می‌نگرد. یک جناح که برغم شکست اش در جریان انتخابات، هنوز اصلی ترین اهمیت را در دست دارد، علت تشیید بحران را باصطلاح لیبرال بازی جناح انتلافی رقیب تحت رهبری خاتمی میداند. این جناح خواهان توسل به خشونت و اختناق بیشتر برای کنترل و مهار بحران است. خاتمه

صفحه ۳

سیر تحولات سیاسی در ایران ، تشیید منازعات و کشمکش های درونی دستگاه حاکمه، تعمیق بحران حکومتی و رشد مدام نارضایتی و اعتراض توده ای، تردیدی باقی نمی گذارد که رژیم جمهوری اسلامی به سرعت در راشیب سقوط و سرنگونی پیش می‌رود و جامعه آبستن یک بحران سیاسی ژرف، سراسری و همه جانبه است. در حالیکه ظاهرا هنوز هم گروهی در این خیال خام بسر می‌برند که رویداد ۲ خداد و جریان انتخابات خاتمی به عنوان رئیس جمهوری، مرحله جدی در جهات جمهوری اسلامی، کاسته شدن از حدت تضادها، تنفس ها و کشمکش ها و آغاز استحاله لیبرالی آن گشوده است، روید تحولات سیاسی، سریعتر از آنچه که تصور می‌شود عملابراین خیال پردازی ها و ادعاهای واهمی پاسداران نظم موجود خط بطلان کشیده در همین مدت کوتاه چند ماهه نشان داد که اگر خاتمی رسالتی هم داشته باشد، لین رسالت چیز دیگری جز تشیید بحرانهای رژیم جمهوری

دو دهه بعد از استقرار رژیم ولایت فقیه، حتی در اصلی ترین مراکز دینی و منبهی که گردانندگان حکومتی خود از آنجا برخاسته اند و با استفاده از این مراکز و «تعالیم آسمانی» آن سعی در پیشبرد منویات ارتقای اجتماعی خود داشته اند، برس ولایت فقیه و اختیارات، اختلاف و نزاع هست. حکومت اسلامی، اگر در دهه اول عمر خود توانست معضل اختیارات ولی فقیه، مساله رهبری، مرجعیت و رابطه اینها با حکومت را پشت سر بگذارد بی‌آنکه اختلاف بر سر آن در این مراکز بمراحل بسیار حادی بررسد که امروز رسیده است، آنرا ببسیار ملیون حضور خمینی بداند که در آن واحد هم رهبر و ولی فقیه و مرجع بود و هم اثوریته بالمنابع وی به کسی اجازه نمی‌باشد حول اختیارات وی سخنی برزیان آورد. با عزل منتظری و مرگ خمینی، وارثان حکومت اسلامی همه میدانستند که خلا ناشی از مرگ وی را نمی‌توانند پرکنند و لو آنکه به سرعت کسی را علم کردن و ردای ولایت را برداشند اذانتند و بظاهر مساله را فیصله دادند، اما روال قضایا حاکی از تداوم این معضل و مبین تشیید تنافقات ذاتی حکومت اسلامی بود. بنابراین اگر که در دهه نخست، بندرست سخنی از خود اختیارات ولی فقیه و مساله صلاحیت رهبری و مرجعیت خمینی در میان است، در دهه دوم ، این بحث یکی از اصلی ترین و محوری ترین مباحثات میان حکومتیان است. چنین بحث هایی اما در تمام طول سالهای حکومت اسلامی، چه به لحاظ ابعاد و دامنه و چه از نظر شفاف تر شدن و فراگیر شدن بحث، هیچگاه با آنچه که در چند ماهه بعد از دوم خداد رخداد است قبل قیاس نیست! برمنته شرایط بوجود آمده پس از دوی خداد، یعنی شکست جناح خامنه‌ای و مفتضح شدن کاندیلی مورد حمایت شخص ولی فقیه و رهبر حکومت اسلامی است که این بحث‌ها حول اختیارات ولی فقیه و صلاحیت خامنه‌ای داغ و کانوئی می‌شود وده سال بعد از مرگ خمینی، بار دیگر زبان منتظری و امثال وی به انتقاد از رهبر حکومت و ولی فقیه گشوده می‌شود، و حکومت مثل همیشه، راه غلبه براین معضل و نجات خویش را در سرکوب بیشتر و در خفه کردن این صدای تعقیب می‌کند.

هنوز کسی بلرستی نمیدانست در این مراکز چه سخنانی در مورد ولایت فقیه، رهبری و مرجعیت خامنه‌ای گفته

دراین شماره

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۲۷)

خبرگزاری جهان

اطلاعیه ها

خبرگزاری از ایران

یادداشت‌های سیاسی

صفحه ۵

صفحه ۱۱

صفحات ۸ و ۹ و ۱۰

صفحه ۱۶

صفحه ۱۶

گفتگو با یکی از فعالین کارگری هلند

صفحه ۲

صفحه ۲

خامنه‌ای خشت برآب می‌زند!

دشمن را در گلوی او خم کنند» حرکت منتظری و امثال او را «غیر قانونی» خواند و از دستگاه قضائی خواست تا بی هیچ اغماضی به وضعیت این توطئه گران و قانون شکنان رسیدگی کند.

بندهای آن رئیس مجلس و سایر دنباله روان خامنه‌ای، حرفهای وی را تکرار کردند و رئیس مجلس تشخیص مصلحت نیز که همزمان با کسب این پست و مقام با خامنه‌ای به سازش‌های معینی رسیده بود، هفت آذر در نماز جمعه تهران بار دیگر به دفاع از خامنه‌ای پرداخت و با ذکر این نکته که خود خمینی شخص خامنه‌ای را بعنوان جایگزین خویش انتخاب کرده است، سعی در اعتبار تراشی برای او نمود. جناح رقیب در برابر این تعرضات، عالم‌آچمز شده بود و در این بخش اگر از اقدامات جناح خامنه‌ای علناً حمایت نمیکرد، در عوض در برابر آن هم نبود و نمیتوانست باشد. هدف و سیاست مرکزی لینها، خوباندن تشنج و تامین آرامش بود. مجاهدین انقلاب اسلامی با ذکر اینکه «تشنجات اخیر موجب بی اعتباری حکومت در لنظر عمومی» میشود، جناح خامنه‌ای را دعوت به آرامش میکرد و حداکثر به اعلام مراتب شگفتی خود از نحوه عمل قوه قضائیه در دفاع از قانون شکنی، اکتفا نمود و آقای رئیس جمهور که ظاهراً سردمدار قانون گرایان بود و قرار بود از آزادی آحاد افراد جامعه در چارچوب قانون اساسی رژیم حمایت کند، در نقش یک تمثیل‌چی ظاهر شد و در برابر این تعرضات خاموشی گردید.

گچه با صدور فرمان توقف تظاهرات توسط خامنه‌ای، اوضاع موقتاً و بطری نسبی آرام شد و در آستانه برگاری «کنفرانس سران کشورهای اسلامی» در تهران، پیش از این هم نمیتوانست کش داده شود، اما این آرامش نسبی بمعنای پایان قضایا و کشمکش‌ها و بیوژن بمعنای پنیفته شدن خواست جناح تعزیز کننده نبود.

واقعیت این است که رژیم ولایت فقیه بعد از دو دهه گرفتاری در چنگ تناقضات ذاتی و درونی خویش، سخت رسوای و بی اعتبار گشته و اکنون به آخر خط رسیده است. جناح بازنده و شکست خورده در موج تعرضات جلیش ممکن است جلو پیش روی حرف بزند را بگیرد، دست پیاش در پوست گرد و بگذارد و آن را فلنج کند، این جناح همچنین ممکن است متعرضین به ولایت فقیه و منتقلین را سرکوب و لت پار کند، اما قطعاً نمیتواند رژیم ولایت فقیه را از غرقاب نجات دهد.

رعایت «حرمت ولایت فقیه» ولو به زور و سرنیزه، دوره اش به سرآمد است. آنچه حکومت ولاشی بول بام است. ولی فقیه و رهبر حکومت اسلامی، رسوای و بی اعتبار است و هر اقلام و تعرضی به نیت بازسازی حريم ولایت آقای خامنه‌ای نیز خشتنی است که بر آب زده می‌شود.

بی آنکه سر و صدای زیادی پیرامون آن بپیش شود، قال قضیه را کند و از کنارش گذشت، در اینجا اما و در قبال انتقادات کارشناسان امور مذهبی و از حوزه علمیه قم، روشن است که به چند واحد انصار حزب الله اکتفا نمی شد کرد. ولی فقیه می‌باشد تمام نیروی خود را بمبیان می‌کشید و در هر حال در سرکوب این نغمه‌ها دیگر هیچ درنگی جایز نبود. شاید هم خامنه‌ای و جناح خش با حسابگریهای معینی به این یا آن فرد و محلل ولبسته دانشجویی فرست انتقاد علنی از ولی فقیه و گسترش آن را داده بود تا بهتر بتواند همه منتقلین و یا مخالفین را سرکوب کند. بهر رو درتظاهراتی که روز بعد توسط اینها و در حمایت از «ولایت فقیه و رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای» در قم راه افتاد، در برابر اظهارات منتظری، جوادی آملی از اختیارات نامحلود ولایت فقیه و حق او به دخالت در همه امور دفاع کرد. جوادی آملی، از شخص خامنه‌ای بعنوان ولی فقیه جامع الشرایط که وظیفه اش نه وکالت و نظارت بلکه اداره امور همه مسلمین است و جانشین پیغمبر است یاد نمود.

بندهای آن تظاهرکنندگان با سردادن شعار خامنه‌ای رهبر است و از پیغمبر است و شعارهای دیگر علیه منتظری، به دفاتر منتظری و آذی قمی پیروش برد، شیشه‌های در و پنجه‌ها را شکسته، ضمن ارغاب و تهیید، به تخریب وسائل و پاره کردن کتاب‌ها پرداختند. در راستای مرعوب ساختن مخالفین و رقبیان، جناح خامنه‌ای سعی کرد حداکثر استفاده از فرست بدل آمده را بعمل آورد. علاوه بر قم، تهران و اصفهان نیز شاهد تظاهراتی از این دست بود. انصار حزب الله در اصفهان با خشونت پیشتری وارد میدان شدند و تظاهرات به درگیریهای خیابانی و ضرب و شتم کشیده شد و طرفداران منتظری مورد تهاجم قرار گرفتند. هفته نامه «نیوی اصفهان» و حتی روزنامه سلام نیز از این حملات بی نصیب نماند.

بعد از این اقدامات و تظاهرات خیابانی، نویت به دستگاه قضائی رسید. بیزدی رئیس قوه قضائیه تایید این اتفاقات، از ضرورت «محاکمه» معتبرضیین به ولایت فقیه سخن گفت. همان روز یعنی چهارم آذر، رازینی رئیس دادگستری تهران و رئیس شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت گفت که سخنان منتظری «بتواند و همکاری با ضد انقلاب» می‌بیند و سرانجام روز بعد خامنه‌ای که هنوز جای زخم کاری و عمیقی که در دوم خرداد برداشته بود، التیام نیافته بود، ضربه دیگری را نوش جان میکرد، در نقطی حرکت منتظری را «(توطنه)» ای خواند که «(دشمن)» از طریق چند تا آدم معنم و ساده لوح به اجرا درآورده است. ولی فقیه اینکه انتقاد کننده شناخت چنانی از مسائل دینی و فقهی ندارد و به امور مذهبی وارد نیست، جلسه تلقی نکرده و نادیده گرفت یا حداکثر با اعزام دو سه واحد انصار همیشه در صحنه و

بلوک چپ انقلابی و آلترناتیو حکومت شورائی

وقدرتش هم دراینچاست. این چپ، که منظور ما دراینجا چپ انقلابی است ولاقل اغلب آنها خود را سوسیالیست و کمونیست می نامند، عجالتا در موقعیتی نیست که با ایجاد یک تشكل واحد برپا کنندگی وضعف خود غلبه کند. تجربه تلاش‌های گذشته سازمان ما، و نیز تجربه تلاش‌های پاره ای از نیروهای دیگر در اتحاد چپ کارگری این حقیقت را نشان داد. این تلاش‌ها را این بته نباید بکلی کنار گذاشت، اما عجالتا آنچه که بصورت امری عاجل و عملی در دستور کار قرار میگیرد نه وحدت‌های حزبی بلکه ائتلاف سیاسی، حل نقطه اشتراک اصلی را دیگر ندارد. این نقطه اشتراک که در عین حال وجه ممیزه چپ را دیگر و انقلابی است و آن را باصطلاح چپ های رفرمیست متمایز میسازد، اعتقاد به انجام تحولات انقلابی و دمکراتیک، یعنی انجام تحولات را دیگر ورشه ای و دمکراتیک یعنی اینسانی و به دست توده های کارگر وزحمتکش واستقرار یک قدرت توده ای درشکل یک حکومت شورائی است. مهم نیست که هریک از جوانات چپ و انقلابی براین حکومت چه نامی میگارد مهم این است که به سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم کوبیدن دستگاه دولتی کهنه و ایجاد دولتی از طرز نوین معتقد باشدکه در آن اعمال حاکمیت مستقیم توده ای بر قرار است. تمام سازمانها و گروههایی که براین مبنای چپ انقلابی محسوب میگردند، اگر در مقابل جنبش توده ای کارگران وزحمتکشان و کسب قدرت سیاسی توسط آنها احساس مسئولیت میکنند، میتوانند براین مبنای دست به ائتلاف سیاسی مهمی درسطح جنبش بزنند و با ایجاد یک بلوک چپ انقلابی، نقش مهم و داخلگری در جنبش بدلست آورند و به کسب قدرت توسط توده های کارگر وزحمتکش، یاری رسانند. این بلوک چپ انقلابی، بر مبنای این سیاست را دیگر به زودی تبدیل به قطبی خواهد شد که همه نیروهای را دیگر و انقلابی را در صفو خود متشکل خواهد ساخت. این ضرورتیست که امروز جنبش ما به آن نیاز دارد و هرجایی که در مقابل جنبش طبقه کارگر احساس مسئولیت میکند، باید مستولانه با آن بروخورد کنند درجهت تشکیل آن بکوشند.

اما مستثنی از خواست واراده بورژوازی داخلی وین المللی، اوضاع بست بحرانی ترشدن پیش میرود و این بحران اگر عجالتا تضادهای نظام اقتصادی - اجتماعی موجود را کنار بگذاریم، از ذات حکومت اسلامی و تضادهای آنان بر میخیزد. از لین روست که بحران تشکیل خواهد شد و دیر یا زود بمرحله ای خواهد رسید که پی آمد آن لتجار قیام توده ای است. اینجاست که کارگران وزحمتکشان برای حل بحران پیا میخیزند. اما سوال این است که چگونه کارگران وزحمتکشان میتوانند لین بحران را حل کنند؟ و نقش گروهها و سازمانهای سیاسی چپ را دیگر وانقلابی درین میان چیست؟ این سوالات از آن رو مطرح میشود که درگذشته ای نه چنان دور نیز توده مردم ایران برای سرنگونی نظام موجود، حل تضادها و بحرانهای آن پیا خاسته و حتی حکومت سلطنتی را هم سرنگون کردند، اما طبقه کارگر و توده زحمتکش در موقعیتی قرار نگرفته که بتواند این تضادها و بحران را حل کند، نتیجتا با استقرار حکومت اسلامی تضادها خاتمه دارد و بحرانها عمیق تر شد. اگر قرار باشدکه این تضادها و بحرانها به شیوه ای انقلابی، درجهت سیر پیشرونده تاریخ و پیغام توده مردم حل شوند، راه حل دیگری جز این نیست که طبقه کارگر و توده زحمتکش متعدد آن قدرت را بسیار بگیرند. اما برغم این که ۲۰ سال از انقلاب ۵۷ گذشته است وسطح تجربه و آگاهی دیگری جز این نیست که طبقه کارگر و توده زحمتکش طبقه کارگر ایران رشد کرده است، معهدا نمیتوان کتسان کرد که طبقه کارگر ایران نا مشکل است، فاقد تشكل های طبقاتی خود میباشد، سطح آگاهی طبقاتی کارگران هنوز نازل است و بخش پیش رو طبقه درمنتهای پراکنده بسیار میبرد. لذا پر واضح است که بگوییم، کسی نمیتواند تضمین کند که طبقه کارگر این بار در موقعیتی قرار خواهد گرفت که میتواند این تضادها و بحرانها را حل کند. اما نمیتوان نشست و دست روی دست کذشت. ما میلیم که در درون انقلاب، توده کارگر وزحمتکش، حول را دیگر ترین شعارها پیا میخیزند و متشکل میشوند، چپ هر آنچه که ضعیف هم باشد، از این پایه توده ای قدرتمند برخوردار است و درست نقطه قوت

و گروههای مؤتلف او نیز تشکیل بحران را می بینند، اما علت تشکیل این بحران را کارشناسی و کله شقی جناح مقابل میانند و آنها را میکنند که نمیتوانند عمق بحران را درک کنند و راه حلی برای کنترل آن و سقوط حکومت ارائه دهند. خود اینان براین باور نیستند که لین بحران از نظم اقتصادی - اجتماعی موجود و نظام سیاسی حاکم برخاسته بلکه آن را بحرانی میانند که از سوء مدیریت ناشی شده. تصور آنها این است که این بحران، احیانا با وضع قوانین جلید، وبا شعار جامعه مدنی، این بحران را درچار چوب قوانین موجود و نظم موجود حل کرد. اینان حتی هنگامی که بنظر میرسد که میخواهند سر جناح را در سرگ بگویند، از زاویه اعتقادشان به نظم موجود است. آنها هدف دیگری جز حفظ نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی ندارند. با تمام این اوصاف، آنها نمیتوانند و عملا هم نشان داد که نمیتوانند، لین بحران را حل کنند. اما تنها این جناح های هیئت حاکمه نگران و خامت اوضاع نیستند، تمام جناح های حکومت و همه جناح های بورژوازی در درون و پیرون از حاکمیت، هر یک به شیوه خود به حل این بحران علاقه مند و در تابع آن سهیم و فینفع اند. آنها نیز نگران تشکیل بحران و خامت اوضاع اند. معهدا نمیتوان چاره ای ندارند جز آنکه به خاتمی واقنامات او امیلوار باشند. آنها او را تقویت میکنند، از او حمایت میکنند، زیر فشارش قرار میکنند و پی در پی رهنمود میکنند. البته نه از آن رو که اعتقاد چنانی به سیاست و خط متشی آن داشته باشد، بعضی از آنها حتی با یک نگرش بورژوازی، مخالف حکومت اسلامی هم هستند و تضاد لین نظام را با ساخت اقتصادی موجود درک میکنند، اما حدیت تضادها و عمق و زرفای بحران، آنان را امیدوار کرد که به تحولات از درون حکومت و تقویت یک جناح یا جناح های باصطلاح لیبرال تر آن پیدا ندانند، چرا که در سوی دیگر این بحران، انقلاب مردمی را می بینند که برای تحقق خواستهای بحق خود و حل این بحران پیا می خیزند ویرای این که این بحران را حل و خواستهای خود را متحقق سازند، با ارکان نظم موجود گلایبز میشوند و دیگر گونی ریشه ای را طلب میکنند.

پس بیهوده نیست که برغم عیان شدن این واقعیت که از خاتمی هم کاری ساخته نیست، هنوز هم طیف بسیار وسیعی از اپوزیسیون بورژوازی حتی گروههای از سلطنت طلبان نیز از وی جانبداری میکنند. بورژوازی حساس بودن اوضاع را به درستی تشخیص میلهد و عجالتا هم با تمام قوا از خاتمی حمایت میکند.

اعضاء ، فعالین و هواداران !
برنامه سازمان دا در میان توده های مردم
تبليغ و ترويج کنید و در توزع هر چه
گستره تر آن بکوشید

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

جناح شکست خورده به تعریض و حمله به عنوان بهترین دفاع روی آورده است

ضمن آنکه گفته بوده‌دیگر جناح شکست خورده از علم کردن موضوع شهرداریها «تضعیف» و «گرفتن نسق قوه مجریه» است، برای کاهش تاثیرات تبلیغات سوء، علیه شهردارتهران، چنین اضافه کرده بود که «شهردارتهران مثل یک وزیر در جلسات دولت شرکت می‌کند». اینها در واقع می‌خواستند با فرستادن شهردارتهران به جلسات هیأت دولت و نشاندن او در کنار خاتمه یا در واقع به اعتبار خاتمه، وی را لزیز ضرب خارج کنند یا دست کم ازشدت ضربات بکاهند و جناح مقابله اما با خوار و خفیف کردن شهردار، رسوانی را لش شهرداریها به درون هیئت دولت می‌ببرد دقیقاً به این دلیل که مؤتلفین شهردار را لزیز از اعتبار یابند. کارگزار سازندگی که روی حمایت رفست‌جانانی حساب می‌کرد و چنین بنظر می‌رسید که هنوز در تصمیم قطعی جناح شکست خورده و جلی بودن تعریض آن دچارت‌زدید است، باشکخت در این جلسات، می‌خواست به تمام مخالف خوانی‌های جنجال‌های جناح شکست خورده دهن کجی کند. مسئله امابرای جناح خامنه‌ای جلی بود. اینجا یکی از صحنه‌های اصلی و تعیین‌کننده نبرد بود. برای جناح خامنه‌ای قضیه به این شکل بود که اگر از این نزاع پیروز بیرون نیاید، گامهای بعدی برای پیش‌روی پیشتر از نیتواند بردارد. شهرداری تهران سنگری بود که فتح آن راه را بر تعریضات بعلی می‌گشود. چنین است که ناگهان برای «تیمسار حسین الله کرم» سرdestه انصار‌حزب الله که قبلاً شایعه دستگیری وی ظاهراً بعلت فعالیت‌ها و تبلیغاتش در جریان انتخابات ریاست جمهوری علیه خاتمه، پخش شده بود، این سوال مطرح می‌گردد که «شهردارتهران چوچای زنان ساز هیئت دولت در می‌آورد؟» و «همه‌تاز آن، رئیس قوه قضائیه می‌گردد؟ «شهرداره‌رچند بارهم که در جلسات دولت شرکت کند باید محکمه شود؟». بیرون کشاندن شهردارتهران از جلسه‌هیئت دولت ویردن وی به پای میز محکمه، روش است که دامن هیئت دولت راهم می‌گیرد و معنایش به نوعی محکمه رئیس آن دولت هم هست! بنابراین هدف مقنم تعریض جناح خامنه‌ای اولاً خاموش ساختن صلبی کسانی است که زبان به انتقاد واعتراض گشوده اند و بعد هم تضییف خاتمه وزهرچشم گرفن از دم و دستگاهی است که قرار است زیر نظر وی عمل کند.

ثالیاً در تمام دوره ای که جناح خامنه‌ای جنجال شهرداریهای تهران را برپا ساخته بود، پیوسته مجمع روحانیون مبارز وسایر دوستان و مؤتلفین کارگزاران سازندگی را تحت فشار قرارداده و از آن‌های می‌خواست تا موضع خود را در مقابل این مسائل روش کنند و اینها اگرچه این تعریض را یک مسئله سیاسی می‌دانستند، اما در برای آن اساساً سکوت کردند و هیچ‌گاه بخود جرات ندادندتا به دفاع از مؤتلف خود وارد می‌دان شوند. جناح شکست خورده، هدف دیگر شرکت از این تعریضات و فشارها، جدا کردن کارگزاران از مجمع روحانیون و سلیر همراهان آن بود و این ها نیز اگرچه رسماً ائتلاف خود را بردند، اما در جریان رسوانی شهرداریها، به جد از وارد شدن

در معرض حمله و انتقاد شدید قرار گرفته است، واضح است چنانچه تدبیر و چاره ای برای آن ونجاتش اندیشیده نشود، فاتحه نظام هم خواند است. از این‌جاست که شکست خورده گان تهاجم گستره ای را علیه رقبای پیروز شده و همه کسانی که زبان به اعتراض و انتقاد گشوده اند آغاز نموده وبا مهارت آنرا پیش می‌برد. این تعریض گچه در آغاز ویژه هنوز مستقیماً متوجه خاتمه نیست و نیتواند باشد، معهداً در اساس، هدف، زدن و محلود ساختن او و حمایان اوست. مگرنه اینکه همه این مسائل بعد از انتخاب اوست که اتفاق می‌افتد و اگر اعتراض و انتقاد تند وتا بین حد گستره و آشکاری علیه ولایت قیمه و اختیارات وی صورت می‌گیرد، برومن شرایط جلید حاصله بعد از دوم خرداد ویرندۀ شدن اوست! پس هرچه زودتر بایستی دست بکار شد، جلو پیش‌روی رقبا را مسلود نمود واز ولی فقیه به دفاع برخاست و کدام دفاع بهتر از حمله است؟

جناح شکست خورده اما برای زدن حریف، ضعیف ترین حلقه آن را می‌گسبد و با دست گذاشتند روی نقاط ضعف آن، تعریض همه جانبیه ای را سازمان می‌دهند. اگر هنوز نیتواند مستقیماً یقه خاتمه یا آخوند کروی و موسوی خوینی ها را لز مجمع روحانیون مبارز بگیرد، پس سراغ مؤتلفین این ها، شهردارتهران و «ثروت‌های بادآورده» می‌رود و در خوار وضعیف کردن او، همه نیروی خود را بسیج می‌کنند، زدن شهردار تهران گچه دم دست ترین و نزدیک ترین هدف جناح خامنه‌ای است، اما برهرکس روش است که این بهیچ‌وجه تمام مسئله نیست و در پس آن اهداف دیگری تعقیب می‌شود. جناح خامنه‌ای در زدن شهردارتهران کدام اهداف را تعقیب کرده و می‌کند؟

تعویض به شهرداری، زمینه ساز تعویضات بعدی

او لا شهردارتهران یکی از عناصر اصلی، فعل و سرشناس گروه کارگاران سازندگی است که در جریان انتخابات ریاست جمهوری با استفاده از امکانات و نیروهای تحت اختیار خود فعالیت‌های تبلیغاتی گستره و موثری به فرع خاتمه برآه اندخت و در پیروزی او نقش مهمی لیفا کرد. بنابراین طرف حساب فقط شخص کریاسچی شهردارتهران نیست، بلکه چسیین یقه جریانی است حامی خاتمه بنحوی که رسوازی او و یا پرونده سازی برای او، به نوعی دامن شخص حمایت شده ازسوی او یعنی رئیس جمهور راهم بگیرد. شهردارتهران اگر برای همین مخالفت‌ها و فعالیت‌های جناح مقابله سرانجام توانسته بود وزیر کابینه خاتمه شود، اما برغم آن و برغم تمام فشارهای تبلیغات علیه خود، در هیئت دولت شرکت نمود. بهزاد نبوی از سران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

بعد از یک دوره بسیار کوتاه سکوت نسبی وی تحرکی جناح خامنه‌ای، که نتیجه بلا فصل ضربه گیج کننده حاصل از شکست خفت بار آن در انتخابات ریاست جمهوری بود، اکنون ناظر یک رشته تعزیزات جدید این جناح هستیم. ایاز مخالفت آشکار اکثیر مردم و تشریفات نسبت به این جناح و شخص خامنه‌ای بعنوان رهبر حکومت اسلامی و ولی فقیه، موضوعی نبود که بتوان آن را پنهان کرد. گرچه سران رژیم تلاش زیادی بکار برداشت تا مردم را مدافعت ولایت فقیه و نظامش جا بزنند وحضور آنها رادر انتخابات، نشانه اعتبار رژیم و نسود سازند، اما خود نیز میدانستند که چنین نیست. خلاصه آنکه رسوانی وی آبروئی حاصله آنقدر بزرگ بود که جناح شکست خورده و تضعیف شده، با هیچ ترفند، دروغ و شانتازی نیتوانست آنرا ماست مالی کند این یک، و دوم آنکه این انکارها و ماست مالی کردن ها هیچ فایده ای نداشت و تغییری در اصل قضایا وصف بنیهای جلید ایجاد نمی‌کرد. پس راه دیگری نداشت جز آنکه به سرعت به تجدید قوا پرداخته و تعریض خود را آغاز کند. حملات رقبای پیروز شده، انتقامات محافل وابسته ویا تزدیک به آنها البته بر زمینه تضعیف جناح خامنه‌ای و تا حدی سردرگمی و خود باختکنی آن طی یک دوره ولو کوتاه با سرعت شکست انگیزی تشدید وعلتی گردید. بحث ولایت فقیه، حسود و ظائف و اختیارات وی و ضرورت محلود ساختن این اختیارات که اساساً حول وحش شخص خامنه ای و عدم صلاحیت وی می‌چرخید، به بحثی همگانی و هر روزه تبدیل گردید. کار به آنچا کشید که حتی حشمت الله طبزدی دیگر اتحادیه انجمن های اسلامی نیز در جلو دانشگاه رسماً وعلناً خواستار محلودیت اختیارات خامنه ای و دوره رهبری وی گردید واز وی بعنوان کسی که در برای مردم بایستی پاسخگو باشد نام برد. این صحبت ها و سخنان دیگری نظیر آن که بسرعت در سطح داخلی و خارجی بازتاب گستره ای بخود گرفت ویرای نخستین پار در حیات حکومت اسلامی تا بین حد صریح آشکار معيارهای این حکومت را لازم زیان وابستگان به رژیم زیر سوال می‌برد، ضمن آنکه صحت تحلیلی راکه می‌گفت با روی کار آمدن خاتمه، تضادها و تعارضات درونی رژیم تشلیل می‌شود، به ثبوت میرساند، بیش از هرچیز مؤید این حقیقت بود که در دوم خرداد آنچه راکه بنام «حریم ولایت فقیه» از آن نام برد می‌شد، برای همیشه شکسته شده و «قداست» آن حتی در نزد طرفداران رژیم هم فرو ریخته و در یک کلام عمر ولایت فقیه به آخر رسیده است. بنا براین، این موضوع کاملاً روشن بود که اوضاع نیتواند به همین روای طی شود و آقای رهبر و جناح شکست خورده، شاهد تضعیف و عقب شنیینی مدام خود باشد. وقتی که یکی از «ارکان اساسی اسلام» مورد تعزیز قرار گرفته است، وقتی که «رکن رکین» نظام

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری ۲۷

جنبش کارگری در فاصله دو انترناسیونال

اتحادیه های کارگری

-۳ آنارکوستدیکالیسم

هر رشتہ جداگانه صنعت متعدد می ساختندر لیون بنیان گذاشت. هرچند که فدراسیون ملی نقش مهمی در سازماندهی مبارزات کارگران برای ۸ ساعت کار واپس بعدا جشن اول ماه مه ایفا نمود، معهدا در مجموع تنوانت نقش همه جانبیه ای در سازماندهی جنبش کارگری ایفا نماید. فدراسیون ملی که تحت نفوذ و رهبری حزب کارگران فرانسه بود حامل دیدگاه انحرافی لین حزب نسبت به اتحادیه و مبارزه روزمره طبقه کارگر بود. از دیدگاه حزب کارگران فرانسه، اتحادیه ها صرفا یک ابزار کمکی در خدمت حزب اند که باید پول و عضو برای حزب تامین کنند. (۱۴) به علاوه این حزب را طبقه دیالکتیکی مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر را درک نمی کرد، به مبارزه روزمره بیان لازم را نمیابد و تنها برمبارزه سیاسی و هدف نهائی تاکید داشت. لذا در همین ایام است که تشکل دیگری به نام بورس کار وسیعاً رشد کردند که کمک متقابل میان کارگران را سازمان می دانند. آنها از انتربیته و نفوذ فوق العاده ای در میان کارگران برخوردار بودند و وظائف متعددی را از ارائه بیمه بیکاری و حوادث گرفته تا دخالت در مبارله نیروی کار، سازماندهی اعتصاب و سازماندهی اتحادیه های ملی بر عهده داشتند. بعدا در ۱۸۹۲ در میتینگ سنت آتنی، مجموعه این تشکل ها فدراسیون بورس کار را ایجاد نمودند که هر چند دارای گرایشات رفرمیستی بود، معهدا تا اواسط دهه ۹۰ حلوادا ۲۵۰ هزار کارگر یا ۶۵ درصد نیروی کار سازمان یافتہ را در صفو خود مشتمل ساخته بود. (۱۵) تا این زمان متباوز از ۷۰ بورس کار در فرانسه شکل گرفته بود.

در بطن این تحولات در جنبش کارگری فرانسه و انحرافات حزب کارگران فرانسه و فدراسیون ملی سندیکاها و تاثیر منفی آن بر روی کارگران، گرایش آنارکوستدیکالیستی مدام رشد میکرد. کارگران به هر حزب و سیاستمداری بادیده شک و تردید می نگیرستند. این روند را پراکنده سوسیالیستها و اختلافات درونی آنها تشیید میکرد. چرا که این اختلافات به درون اتحادیه ها کشیده میشد و برابع بروخود منفی اتحادیه ها نسبت به احزاب افزوده میشد. در اینجا این ایده آنارکو- سندیکالیستی متفقیت می یافت که احزاب، سازمانهای طبقاتی نیستند. افرادی در راس آنها هستند که به طبقه کارگر تعلق ندارند و انزوا کارگران را هر می دهنند، لذا طبقه کارگر به احزاب سیاسی که «مردم را بر مبنای عقایدشان مشتمل می کنند»، نیازی ندارد بلکه به آن سازمانهای نیازمند است که کارگران را در نقطه تولید متعدد می سازد و تنها از کارگران تشکیل شده است. چنین سازمانی اتحادیه است. (۱۶) و تنها اتحادیه ها نماینده منافع کارگران هستند.

این روند رشد آنارکو- سندیکالیسم سرانجام به آنچه انجامید که در ۱۸۹۴ در کنگره مشترکی که در نات از فدراسیون بورس های کار و فدراسیون ملی سندیکاها تشکیل گردید، اعتصاب عمومی اقتصادی جایگزین انقلاب سیاسی گردید. (۱۷)

در این ضمن کرایشات وحدت طلبانه نیز در میان کارگران رشد نمود و تلاش هائی برای ایجاد یک سازمان سراسری و عمومی از تمام اتحادیه ها صورت گرفت که در ۱۸۹۵ در لیموگ به تشکیل کنفرانسیون عمومی کار(ث-ر-ت) انجامید. که در واقع بدین معنا بود که اکنون جنبش کارگری فرانسه دارای دو مرکز سازماندهی ملی است. این هم بعضا در کنگره مون پلیه در ۱۹۰۲ با ادغام بورس ها در ث-ر-ت، به انجام میرسد.

در ایتالیا نیز جنبش اتحادیه ای از الگوی تشکیلاتی عمومی جنبش کارگری فرانسه پیروی میکرد و بورس های محلی یا شوراهای کار از اعتبار زیادی در میان کارگران برخوردار بودند. البته تلاش کارگران برای ایجاد اتحادیه های ملی و وحدت اتحادیه ها از سالهای ۷۰ آغاز میگردد. در ۱۸۷۲ فدراسیون چاچی ها و در ۱۸۹۱ فدراسیون فلز کاران پدید آمد. حتی حزب کار ایتالیا که در ۱۸۸۲ در میان تشکیل گردید بیشتر یک تشکل اتحادیه ای بود و نه حزبی. تا اوائل دهه ۹۰، اتحادیه های کارگری ایتالیا حدود ۱۵۰۰۰ عضو داشتند. (۱۸) در واقع، از دهه ۹۰ است که به سرعت گرایشات آنارکو- سندیکالیستی در میان کارگران رشد میکند. نخستین اطاق های کار یا شوراهای اتحادیه های محلی که معادل بورس های کار در فرانسه بودند در ۱۸۹۱ در میلان، تورین و پیاسنزا

نمونه دیگر جنبش اتحادیه ای این دوران، درکشورهای لاتین شکل گرفت که در آن جنبش آنارکو- سندیکالیست، نقشی مهم و بعضی تعیین کننده را در جنبش کارگری بر عهده داشت.

پیش از این به مواضع آنارشیسم و آنارکو- سندیکالیسم که از درون جنبش آنارشیستی و در جریان تحول آن شکل گرفت اشاره کردیم، دیلیم که مبنای نگرش آنارکو- سندیکالیست ها را نظرات باکوئین تشکیل میداد که با کمونیسم مخالف بود و خود را کلکتیویست معرفی میکرد. ادعای اصلی او هم این بود که «کمونیسم تمام قوای جامعه را در دولت مستمرک می کند و جنب می نماید». کمونیسم مورد استفاده قرار میمهد. این در مورد دولت کارگران هم صادق است. چرا که کارگران از هنگامی که فرمانروا یا نماینده مردم شدند، دیگر کارگر نیستند و به مردم مستمده از بلندی دولت نگاه می کنند. واز آنچه نتیجه میگرفت که آزادی واقعی منوط به نابودی فوای و توامان دولت و سرمایه داری، و سازماندهی یک سیستم فرالیستی اداره امور برمبنای اتحادیه های اقتصادی کار از پایین می باشد. (۱۹)

ایضاً اشاره شد که جریان آنارشیست باکوئیست، مبارزه سیاسی و شرکت در پارلمان را تحت هر شرایطی رد میکرد. باکوئین شرکت در پارلمان را به معنای فرستادن کارگران به محیط صرفا بورژوازی و ایده های سیاسی صرفا بورژوازی می دانست که از طریق آن کارگران تلقیات بورژوازی را می پذیرند و دیگر نماینده کارگران نیستند. (۲۰)

با تقویت مواضع کارگران در جنبش روشنفکری آنارشیستی و شکل گیری آنارکو- سندیکالیسم در ۱۸۷۷ رسماً مسئله اعتصاب عمومی به عنوان سلاح اصلی در مبارزه اقتصادی و ابزار فلنج کردن جامعه سرمایه داری در دوران مواجهه انقلابی درآمد. آنارکو- سندیکالیستها با رد اشکال مبارزه سیاسی، اعتصاب اقتصادی عمومی را کلید تخریب سیستم استثمارگرانه در نظر می گرفتند و آن را بر تمام دیگر اشکال و روش ها برتر می دانستند. از نظر آنها، اتحادیه نیز به عنوان ابزار و سازمان راستین مختص طبقه کارگر، اهم کافی برای انقلابی است که سرمایه داری و دولت را بر می اندازد و جامعه غیر مستمرک بدون طبقات مشتمل از تولیدکنندگان آزاد را برمبنای ساخت فرالیستی سازمان میمهد. اتحادیه ها نه تنها سازمان رزمende امروز طبقه کارگر بلکه سازمان تولیدکننده فردای پس از سرنگونی سرمایه داری نیز هستند و جامعه آینده فراسایونی از سندیکاهاست که تولید و توزیع را سازماندهی و اداره می کنند. این گرایش آنارکو- سندیکالیست بیش از هر جای دیگر و به دلائل تاریخی و مشخص در فرانسه داشت و در اینجا از نفوذ و قدرت قابل ملاحظه ای برخوردار گردید. از نظر تاریخی بخشی از کارگران فرانسه تحت تاثیر اندیشه های آنارشیستی پرودون و بعدا در محلوده ای باکوئین قرار داشتند. لذا نظر مساعنی نسبت به حزب سیاسی و مبارزه سیاسی نداشتند. پس از هر شکست پرولتاریای پاریس نیز تا ملتی این گرایش مجدداً تقویت میشد. این پدیده در دوران پس از شکست کمون نیز خود را نشان داد. اما آنچه که گرایش آنارکوستدیکالیست را تقویت میکرد تنها این زمینه تاریخی بود بلکه تاثیر منفی احزاب سیاسی نیز در این زمینه موثر بود که با اتخاذ سیاستهای نادرست و کم بها دادن به نقش اتحادیه، این گرایش را تقویت کردند. اشاره کنیم که از اوخر دهه ۷۰ کارگران فرانسه تاریخی اتحادیه ها را در سطح ملی توسعه دادند. نخست، کلاهوزان، چاچی ها و معلمچیان فرانسه فدراسیونهای ملی را تشکیل دادند. در ۱۸۸۴ که تشکیل اتحادیه ها قانوناً به رسیت شناخته شده کارگران وسیعاً به سوی تشکیل فدراسیونهای محلی و منطقه ای روی آوردن. در ۱۸۸۶ حزب کارگران فرانسه (کوئیست ها) فدراسیون ملی سندیکاها را که کارگران را در

دیگر احزاب سوسیالیست در سراسر جهان بود که توانست به شکل دقیق و موثر با استفاده از ابزارها و وسائل متعدد مبارزه، مبارزه قانونی و غیرقانونی، علیه و غیر علیه را تأثیف کند. اساس تلاش حزب در این مرحله چنین بود که در عین حال که می کوشید خود را بصورت یک سازمان غیر قانونی با خصلت اقلایی حفظ کند از تبلیغ شدن به یک سازمان و جیان توطنه گر پرهیز شود. حزب، زیر پوشش ها و بهانه های مختلف، میتینگ های خود را برگزار نمود. مطبوعاتی که انتشار آنها غیر قانونی شده بود، با پوشش های دیگر انتشار یافتند. شریات و اطلاعیه های حزبی از طریق پست سرخ پخش می شد وغیره. در نتیجه این تلاش ها شاخه های محلی حزب به اشکال مختلف احیاء شدند. تیجنا در جیان انتخابات ۱۸۸۱، برغم مخفی بودن حزب، ۳۰۰۰۰ رای و در ۱۸۹۰ یک میلیون و ۴۲۷۰۰۰ یا ۱۹ درصد آراء، را بدست آورد. البته پیشبرد این سیاستها همراه با یکشته مبارزات درون حزبی و مبارزه علیه دوگرایش چپ و راست بود. گرایش راست، حزب مخفی با برنامه و پرتاب اقلایی را نهی می کرد و گرایش چپ، خواهان عمل مسلحه علیه حکومت بود. بالاخره حزب که از این نبرد علیه حکومت و قانون ضد سوسیالیستی پیروز بیرون آمده بود، هیئت حاکمه را مجبور نمود که قانون ضد سوسیالیستی را برچیند و این امر در ۱۸۹۰ تحقق یافت.

اگر در آلمان یک حزب واحد سوسیالیست در این مقطع شکل گرفت، در فرانسه روند تحولات به گونه ای دیگر بود و چند حزب سوسیالیست با گرایشات مختلف تشکیل شدند.

در ۱۸۷۹ در جیان یک کنگره کارگری در مارسی، حزب کارگران تشکیل گردید که از مواضع ثول کسد دفاع میکرد. یک سال بعد این حزب در کنگره لوار برنامه ای را پذیرفت که در خطوط کلی با سوسیالیسم علمی انباط داشت. معهدها جریات راست و رفمیست نیز در درون این حزب، یک نیروی قدرتمند بودند. لذا در کنگره سنت آئین که در ۱۸۸۲ تشکیل گردید، اکثریت نمایندگان به یک برنامه رفمیستی رای دادند که هدف عمله جنبش را کسب اکثریت در شوراهای شهرداری اعلام میکرد که این شوراهای ایجاد می کنند، مالکیت عمومی جایگزین مالکیت خصوصی سرمایه داری گردد. اینان که به این «سیاست احتمالات» معتقد بودند، به اختصار گلایان معروف شدند که بعداً خود را فدراسیون کارگران سوسیالیست نامیلند.

به حال، با پیروزی جناح راست در این کنگره، جناح چپ به رهبری ژول گسد و پل لافارگ، کنگره را ترک کردند و کنگره مختص خود را در روئه برگزار نمودند. علاوه بر این دو حزب، یک سازمان بالاتکیست به اسم کمیته اقلایی مرکزی هم وجود داشت که در ۱۸۹۸ نام حزب سوسیالیست اقلایی برخود نهاد. در ۱۸۹۰ نیز یک فراکسیون از احتمال گلایان جدا شد و حزب اقلایی سوسیالیستی کارگران را تشکیل داد. عدد ای هم به اسم سوسیالیستهای مستقل وجود داشتند. مجموعاً تا اواسط دهه ۹۰، ۸ سازمان سوسیالیست در فرانسه وجود داشت. (۲۱)

در بریتانیا، از ۱۸۶۸ اتحادیه ها در یک جبهه متحد سیاسی با لیبرالها علیه محافظه کاران بودند. اما تدریجاً یک گرایش رادیکال در میان کارگران شکل گرفت و در ۱۸۸۴ به تشکیل یک حزب سوسیالیست به اسم فدراسیون سوسیال - دمکرات انجامید. برنامه این حزب برمبنای ایده های سوسیالیسم علمی بود. با این وجود گرایشات چپ روانه و سکتاریستی هم در آن نیرومند بودند، لذا توانست نفوذ قابل ملاحظه ای در میان توده کارگران بدست آورد. اختلافات درونی این حزب به تشکیل یک سازمان دیگر بنام اتحادیه سوسیالیست انجامید که آنهم دوام نیاورد. در این ضمن در ۱۸۸۴ گروهی از چپ های لیبرال که خود را سوسیالیست می نامیدند، انجمان فاین را بنیان گذاشتند که در میان آنها افرادی مانند برنارداشو و ووب ها بودند. این اتحمن منبع تغییر اینتلولوژیک اپرتوئیسم سوسیال دمکراسی جناح راست در بریتانیا و حتی در برخی کشورهای دیگر بود. کارگران بریتانیا در لین دوران توانستند یک حزب سوسیالیست اقلایی با پایگاه توده ای تشکیل دهند. معهدها تلاش برای تشکیل یک حزب کارگری بزرگ ادامه یافت و در ۱۸۹۳ از اتحاد چند سازمان کارگری بریتانیا، حزب کار مساقیت بریتانیا تشکیل گردید که آن هم به رفمیست گرایش داشت. در بلژیک در ۱۸۷۹ حزب سوسیالیست پایه گذای شد که پس از اتحاد با چند تشکیل کارگری دیگر در ۱۸۸۵ حزب کار بلژیک را بوجود آورد. در هلند نیز سوسیالیستها در ۱۸۸۲ متحد شدند و اتحادیه سوسیال دمکرات را تشکیل دادند. بمور گرایشات آثارشیستی در این حزب مسلط گردید. سوسیال دمکراتها از این تشکیل استعفا

نمایند. در مدتی کوتاه بین عده آنها به سرعت افروده شد و در ۱۸۹۳ یک کنونسیون ملی از دوازده شورای محلی موجود برگزار گردید و فدراسیون شوراهای کارگران ایتالیا شکل گرفت. برname فعالیتهای فدراسیون شوراهای کارگران ایتالیا در خطوط کلی آن شبیه فرانسه بود. سنیکالیسم در جنبش کارگری از نفوذ قابل ملاحظه ای برخوردار بودند، اسپانیا بود. در اینجا در ۱۸۸۱ کارگران بارسلون در یک کنگره یک فدراسیون منطقه ای به نام فدراسیون کارگران اسپانیا ایجاد نمودند که تا ۱۸۸۸ دوام آورد. فدراسیون کارگران اسپانیا به شدت مبارزه سیاسی را برای حصول به اهداف طبقه کارگر را میکرد و از هر گونه همکاری با احزاب سیاسی سرباز می زد. پس از انحلال این سازمان، مجدداً یک مرکز اتحادیه ای آثارشیستی دیگر شکل گرفت.

اما توأم با این شکلها که به شدت تحت تاثیر آثارشیسم و آثارکو- سنیکالیسم بودند، اتحادیه های دیگر هم شکل گرفتند که البته کوچک بودند و نفوذ آنها در میان کارگران هنوز محدود بود. در ۱۸۸۸ به بیتکار مارکسیستها یک مرکز اتحادیه ای ملی دیگر به نام اتحادیه عمومی کارگران شکل گرفت که از یک خط مشی اصولی پیروی میکردند، معهدها در آن مقطع توانست نیروی قابل ملاحظه ای را در صفو خود متشکل سازد. از بررسی مجموعه جنبش اتحادیه ای کشورهای سرمایه داری جهان آشکار میگردد که در دوره موربد بحث تقریباً در عموم این کشورها اتحادیه های ملی شکل گرفته بودند و اتحادیه ها از حقوق و اتوريته قابل ملاحظه ای برخوردار شده بودند. در همین سالها تلاش های متعددی برای تقویت پیوند های بین المللی اتحادیه های بریتانیا در لندن تشکیل گرفت. در ۱۸۸۸ به بیتکار اتحادیه های بریتانیا یک کنفرانس بین المللی در لندن تشکیل گردید که فعالین اتحادیه ای فرانسه، بلژیک، هلند و دانمارک در آن شرکت نمودند. (۲۰)

در سالهای بعد نیز کنفرانس های بین المللی چاپچی ها، معلنجیان و غیره تشکیل گردید که در فضول آنی روند تحول آن را بنیل خواهیم کرد. توأم با رشد و گسترش جنبش طبقه کارگر و تقویت اتحادیه های کارگری، پورژو از تلاش نمود که با تشکیل اتحادیه هایی که تحت نفوذ و رهبری طبقاتی آن بودند، در صفو کارگران شکاف انانزد و مبارزه آنها را منحرف نماید. از این روزت که اتحادیه های مسیحی در کشورهای مختلف اروپا شکل میگیرند که بنا به وضعیت جنبش کارگری در هر کشور از نفوذ کمتر یا بیشتری برخوردار بودند. در مجموع این اتحادیه ها توانستند نفوذ و اعتبار چنانی در میان کارگران کسب کنند.

احزاب سیاسی پرولتی

در فاصله میان دو انتراسیونال، یکی دیگر از شاخص های رشد و تکامل همه جانبه جنبش طبقاتی کارگران رشد جنبش سوسیالیستی و شکل گیری احزاب سوسیالیست در اغلب کشورهای سرمایه داری بود که عموماً تشوری سوسیالیسم علمی راهبر آنها بود. مهم ترین و ذی نفوذ ترین لین احزاب، حزب سوسیال - دمکرات آلمان بود. حزب سوسیالیست آلمان که پیش از این حتی زودتر از احزاب دیگر در ۱۸۶۹ شکل گرفته بود با تحولات و رویدادهای مهمی در این دوران روپرتو بود. این حزب در ۱۸۷۵ با تشکیل کنگره گوتا با سازمان لاسالیست اتحادیه ملی کارگران آلمان، وحدت کرد و حزب سوسیالیستی کار را تشکیل داد. در جیان این کنگره لاسالیستها در اکثریت قرار داشتند و طرفان رسانی سوسیالیسم علمی اقلیتی را تشکیل می دادند. سوسیالیستهای مارکسیست آلمان در جیان این وحدت، امتیازات مهمی به جیان اپرتوئیست لاسالیست قرار گرفته و مارکس یکی از آثار مهم خود را بنام قدر برنامه گوتا به این روپرتو اختصاص داد.

اما این وحدت در همان حال که حاوی امتیازات به جیان لاسالیست بود، سرآغاز مرحله ای در زوال قطعی لاسالیسم نیز محاسب میشد و به سرعت دامنه نفوذ مارکسیستها را در حزب گسترش داد. در پی این وحدت بر دامنه نفوذ سوسیالیستهای آلمانی در میان کارگران وسیعاً افزوده شد و در جیان انتخابات ۱۸۷۷ آنها توانستند حدود نیم میلیون رای با ۱۳ کرسی را در پارلمان بدست آورند. رشد سریع حزب و گسترش نفوذ و انتقام قرار گرفته و مارکس یکی از رزمتکشان، پورژو از آلمان را وحشت زده کرد. لذا در ۱۸۷۸ قانون ضد سوسیالیستی بیسماک به مرحله اجرا درآمد و حزب به فعالیت زیرزمینی روی آورد. این دوران یک مرحله مهم به لحاظ تجربی برای خود حزب در آلمان و

واسطه عدم پذیرش ساعت متعاقب کار، دست از کاربکشد، بخشی - ونه تمام - از مزایا رادیافت میکند. این شیوه ظرفی است که سرمایه داران برای مهار اختراضات علیه بیکاری به کار گرفته و میگیرند. ظاهر قضیه این است که گویا کارگران حق انتخاب دارند، اما درواقع امر، با شناور بودن ساعات کار هیچگونه تضمین و ثبات شغلی برای آنان متصور نیست. درینader هنگرهای کارگران حمل و نقل آبی (دریانی) در مرکزی به نام Pool مجتمع بوده و هستند که کارگران دراستخدام این مراکزاند. از دستمده، بیمه و مزایا برخوردارند. از طریق Pool است که کارگران جهت اشتغال درینader مختلف اعظام میشوند. کارگران با انعقاد قرارداد دسته جمعی کار استخدام میشوند. تعرض اخیر، متوجه این مراکز است و هدف نیز غلو قرارداد دسته جمعی وایضاً اخراج عده ای از کارگران است. خوشبختانه با مروری بمبازرات اخیر کارگران بنادر نه تنها درهنلند که در انگلستان و بریتانیا، میتوان اظهارداشت که تردد فوق، آشکار شده و کارگران مناسب با امکانات موجود مبارزاتی به مقابله با آن برخاسته اند.

* درهنلند نیز همچون دریبوربول، انگلستان، همسران کارگران بنادر نقش مهمی درهمبستگی و حمایت از اعتصابیون داشته اند، درین موعد توضیح دهید.

- یکی از مسائل جالب توجه در جریان اعتصابات اخیر کارگران بنادر درهنلند، نقش فعال همسران اعتصابیون در یاری رساندن به مبارزات کارگران است. نمونه مبارزاتی ای که همسران کارگران بنادر لیورپول طی سالهای اخیر به نمایش گذاشته اند، الگوی بسیار خوبی است. درهنلند با اوج گیری حرکت کارگران بنادر، همسران آنهاه تشکل یابی روی آوردند. اولین اجلاس با حضور ۳ زن برگزار شد. خواست آنان جلب حمایت از اعتصابیون بود. آنها با پیگیری خاصی دست به عمل زدند. طی تماشاهی مکرر، موفق شدند بزرگداشت خود بیافایند. هم اکنون ظرف مدتی کمتر از دو ماه، تعداد اعضاء به ۱۰۰ نفر رسیده که ۴۰ تن از آنها را اعضاء فعل تشکیل میهندن. آنها با برگزاری آکسیونهای حمایتی، به مبارزه علیه اخراج همسران خود برخاسته اند. لازم به توضیح است که اغلب این رفقانی زن، خود نیز شاغل اند. تیجتنا شرکت آنها درکمیته تنها برای تامین معاش و گذران زندگی نیست، بلکه به منزله نمایش روحیه همبستگی نیز هست. این کمیته اکنون به تلاشهای خود ادامه میلدد و ارتباطات فراوانی با سایر کمیته های مشابه اروپا برقرار کرده است.

* چشم انداز مبارزات کارگران اروپا را چگونه ارزیابی میکید؟

گفتگو با یکی از فعالین کارگران هلند

اعتصاب اخیر در بنادر آمستردام و روتردام از جمله مواردی است که کارگران برحق مطالبات برحق خود پا فشاری نمودند. طی ماههای سپتامبر و اکتبر کارگران ابتدا درینader آمستردام دراعتراض به اخراج ۳۰۰ تن، دست از کارکشیلندها. اتیوان های ورودی شهر رالشغال نمودند، جاده هارامسلود کردهند، ساختمان پارلمان درلاهه را به تصرف خود درآوردهند و به راهپیمائی و تظاهرات پرداختند. بالرج کیری حرکات فوق، کارگران بنادر روتردام - بزرگترین بندر جهان که ۲۵ درصد نقل و انتقال کالاهای اروپا ازین بندر صورت میگیرد - خواهان پیوستن به این اعتصاب شدند. رهبران FNV ازین خواست بسیار وحشت زده شدند. چرا که اعتصابات درین بندر، نتایج منفی برای دولت هنلند و سایر کشورهای اروپائی به بار میآورده. لازم به توضیح است که طی سالهای اخیر، سرمایه داران هزینه اتبارداری و ذخیره کردن مواد خام و سایر کالاهای را به حداقل ممکن کاهش داده اند. تیجنا حتی المکان سعی آنان براین است که از حجم کالاهای ذخیره دربنابرها بکاهند. این امر کیری بخشی از هزینه هاراکم میکند اما درجه آسیب پلیری اقتصادی رادرهنگام اعتصابات افزایش میلدهد. از همین روس است که مثلاً درصورت بپائی اعتصاب دریخش حمل و نقل، بسیاری از رشته های تولیدی آنآ از کار می افتدند، چراکه مواد و کالاهای مورد نیاز رادردسترس ندارند. بهرو این امر موجب ضربه پلیری سایر بخش ها واحیاناً گسترش اعتصابات میگردد. درچینین شرایط است که سران اتحادیه به ایفای نقش سازشکارانه خود میپردازند. سران اتحادیه از کارگران میخواستند تا «فرضت دادن به دولت» از درگیر شدن دراعتتصاب خودداری نمایند. اما علیرغم این نقش سازشکارانه، قریب به ۵۰۰ تن از کارگران عملاً به مخالفت با تصمیم اتحادیه پرداختند و اعلام اعتصاب نمودند. از خواستها و مطالبات کارگران بندر آمستردام حمایت نمودند و یا آنها همگام شدند. این امر موجب جلب همبستگی و حمایت کارگران بنادر جهان شد.

* لطفاً درمورد تاریخچه مبارزات کارگران بنادر و اعتصاب اخیر کارگران بنادر روتردام و آمستردام توضیح دهید.

- کارگران بنادر درهنلند طی دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی، مبارزات وسیعی جهت کسب حقوق صنفی خود سازمان داده اند. این مبارزات به صورت اعتصابات و سایر اشکال اعتراضی بپای شده است و مشارکت کمی کارگران درمقایسه با امروز درمیزان بیشتری قرار داشت. اگر اعتصابات فعلی با شرکت صدھا تن برگزار میگردد، درآن ایام، دربعاد چند هزارنفری بود. طی سالهای اخیر اتوماتیزاسیون به اخراج هزاران تن منجر شده است ویرخی دیگر پیش از موعده، باز نشسته شد اند. این امر بلحاظ تجربی، تاثیر نامطلوبی بر سطح مبارزات کارگران بنادر داشته است. از اوائل دهه ۹۰، مبارزات به دلیل سازشکاری و تسليم طلبی سران اتحادیه، دربعاد وسیع و سراسری نبوده اما کماکان در جریان بوده است و بدینه است که این پراکندگی از برائی اعتصابات کاسته است.

از سوی دیگر کارگران در زندگی روز موه خود شاهد اخراج، بیکاری، قطع مزایا و دستاوردهای خود میباشند. قراردادهای دائم کار یک طرفه واژ سوی کارفرمایان فسخ میگردد. ساعت کار شناور میگردد. از حقق و مزایای آنان بطرز حیرت آوری کاسته میشود و سالها سابقه کار میشود. زیرا چنانچه متغیر بودن ساعات کار از جانب کارگران مورد قبول واقع نشود، عملاً به اخراج آنها می انجامد. سابق براین اخراج کارگر، وی رامشمول دریافت مزایای تمام و کمال بیکاری مینمود. اما چنانچه کارگر به

- شناور کردن ساعات کار شگرد جدیدی است برای اخراج کارگران ویکی از روشهایی است که اخیراً به کارگرفته میشود. زیرا چنانچه متغیر بودن ساعات کار از جانب کارگران مورد قبول واقع نشود، عملاً به اخراج آنها می انجامد. سابق براین اخراج کارگر، وی رامشمول دریافت مزایای تمام و کمال بیکاری مینمود. اما چنانچه کارگر به

گفتگو با یکی از فعالین کارگری هلند

پیچ ها و ۲ - ضرورت سراسری بودن اعتضابات به منظور بالا بردن درجه تاثیر گذاری آن. موضع و نقشی که سران اتحادیه درمندات از یک سو وجود آلترناتیوی که ملایع منافع کارگران بود - ولو این که این آلترناتیو به لحاظ کمی چنان قوی نیست - موجب شد که عملاً تمایزات اختلافات روشی تر گردد. این امر در وله اول گرچه ممکن است به بی اعتمادی کارگران به هر نوع تشکیل بیانجامد، اما با وحامت اوضاع اقتصادی و تعرض وسیع، دردار مدت تنایج مشتبی ببار خواهد آورد. چرا که اولاً به افشاء خط زرد درون اتحادیه منجر میشود واز سوی دیگر زندگی روز مره و شرایط زیستی کارگران، آنان را به مبارزه علیه تعراضات جلب میکند.

بهروز، وجود آلترناتیوی که قادر باشد رفمیسم وسازشکاری را افشاء نماید و بیلی ارائه دهد، درین میان نقش مهمی دارد.

نمود، درس گرفت واستوارتر پیش رفت.
* حمایت پیشیبانی از اعتضاب اخیر درجه سطحی صورت گرفت؟

- دربرتو ارتباطات فعالی که بین کارگران بنادر مختلف اروپا و جهان برقرار است، به طور وسیعی از حرکت اخیر پیشیبانی صورت گرفت. پیامهای همبستگی کارگران از سراسر اروپا از یونان تا انگلستان به اعتضابیون ارسال شد. برخی از کارگران به ارسال پیام بسنده نکردند و هیئت هائی را برای ملاقات و گفتگو با اعتضابیون اعزام کردند. در هلند، کارگران و کارکنان حمل و نقل زمینی از مطالبات ما حمایت کردند. تمامی این نمونه ها موجب دلگرمی ما در حرکت مان بود.

* اعتضاب اخیر چه درسها و تجربی را دربرداشت؟
- درازیابی از حرکت اخیر میتوان بر دو محور اصلی تأکید نمود: ۱- شفاف ترشدن نقش سران اتحادیه در تند

- طبیعی است که مبارزه مشترک علیه سرمایه داری ضروری است. «از زیبای واحد» این پروسه را تا درجه تسریع مینماید. دررشته ای مانند حمل و نقل، این امر به لحاظ نوع کار، خواه ناخواه به فراسوی مرزهای جغرافیائی می انجامد. اعتضاب دریندر روتردام، بطور مثال تاثیرات شگرفی بر کارگران بنادر فرانسه و یا اسپانیا خواهد داشت. خبر اعتضاب دریک بندر به بندر دیگر میرسد، به جلب حمایت می انجامد و حتی امکان دارد، اعتضابی مشابه برپا گردد. از همین روست که فعالین کارگری در تعیین مطالبات و خواستها باید توجه ویژه ای به این مسئله داشته باشند.

اخیراً اعتضابیون بنادر مختلف در اروپا با توجه به این امر، اقدام به برگزاری جلسات و کنفرانسها نموده اند. هدف از برگزاری این اجلاس، تبادل نظر، انتقال تجارب ویررسی امکان مبارزات مشترک است. در اوخر ماه نوامبر سال جاری، به ابتکار اعتضابیون بندر لیورپول که از ملتها پیش دراعتضاب بسر میبرند، کنفرانسی در بارسلون برگزار گردید. طبیعی است که از این طریق میتوان نقاط ضعف و قوت اعتضابات و اعترافات را بررسی

اطلاعیه مشترک

بازگشت سفرا و مماسات با جمهوری اسلامی را محکوم میکنیم!

ما تردیدی نداریم که این نه دولتها، که قبل از همه افکار عمومی اروپا بود که دولتها را وادار به واکنش در برلبر جمهوری اسلامی و به رسمیت شناختن رای دادگاه نمود. ما برای مبارزه با تروریسم دولتی و سازش و مماسات دولتها اروپائی با آن، افکار عمومی اروپا و تمامی مجتمع پسر دوست و متوفی را به یاری می طلبیم. ما خواهان نه فقط قطع رابطه با سران جمهوری اسلامی، بلکه محاکمه آنها در یک دادگاه بین المللی به جم ترور، شکنجه و سرکوب مخالفان دولت شان هستیم. ما اقتلام اخیر اتحادیه اروپا در بازیس فرستادن سفرای کشورهای عضو را محکوم وغیر قابل توجیه میدانیم.

حزب دمکرات کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان (اقلیت)

سازمان کارگران انتقلابی ایران - راه کارگر

پاریس، ۱۴ نوامبر ۱۹۹۷

دیروز، دولتها عضو اتحادیه اروپا اولین گروه از سفرای خود را روانه تهران نمودند و در برابر خواست جمهوری اسلامی در ترتیب باز کشتن سفرای خود نیز گردند نهادند.

تصمیم باز گشتن سفرای کشورهای اتحادیه اروپا، درماه آوریل گذشته، وحدو سه هفته بعد از فراخوانن آنها از تهران، بنبال اعلام رای دادگاه میکونوس و محکوم شدن سران جمهوری اسلامی بعنوان سازماندهنگان ترور دکتر صادق شرفکنی و همراهان دربرلین، اتخاذ شده بود. اما اجرای آن بدیل خواست جمهوری اسلامی در تفکیک سفیر آلمان و ورود او بعد از دیگران به تهران، به تعویق افتاده بود. تصمیم دیروز، نشاندهنده تسليم دولتها اروپائی به این خواست جمهوری اسلامی، تحت توجیه همزمان نمودن ورود سفرای فرانسه و آلمان، در روز ۲۱ نوامبر، یعنی پنجشنبه آینده است.

ما همچنان بازگشت بی قید و شرط سفرای اتحادیه اروپا به ایران را مغایر رای دادگاه میکونوس در محکومیت تروریسم دولتی این رژیم و تنایج حاصله از آن میدانیم. این امر، ونیز تسليم شدن به خواست های جمهوری اسلامی، نه فقط مماسات با این رژیم، بلکه تشجیع آن در ادامه تروریسم دولتی است.

اطلاعیه

بازداشت مجدد زندانیان سیاسی سابق ادامه دارد

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی همچنان به بازداشت مجدد زندانیان سیاسی سابق که پس از تحمل سالها شکنجه و زندان در زندانهای مخوف و قرون وسطائی جمهوری اسلامی، آزادشده بودند آدامه مینهد.

طی هفته های اخیر تعداد دیگری از زندانیان سیاسی سابق دستگیر شده اند که هنوز از تعداد دقیق دستگیرشدگان اطلاع موقتی در دست نیست. با این وجود تنها در تهران و شهرهای شمالی ایران دهها تن بازداشت شده اند و تا کنون کسی از سرنوشت آنها اطلاعی ندارد.

این موج جدید دستگیری زندانیان سابق دریی اعتصاب غذای زندانیان سیاسی آغاز گردید که در چریان آن ۶ تن از زندانیان سیاسی از جمله ۳ تن از فعالین و هواداران سازمان ما جان باختند. انعکاس کسرتره خبر این اعتصاب در خارج از زندان، رژیم را شدیداً متوجه و هراسناک ساخت لذا پس از سرکوب زندان، ماموران اطلاعاتی و امنیتی رژیم ظاهراً برای بدست آوردن سرنخی در مرور انتقال اخبار زندان و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی به خارج، دستگیری مجدد زندانیان سیاسی سابق را آغاز نمودند، اما ادامه دستگیری ها نشان میدهد که هدف رژیم از بازداشت مجدد زندانیان سیاسی سلیق، فراتر از کسب اطلاعات در مرور انتقال اخبار زندان به خارج است.

سازمان ما بازداشت مجدد زندانیان سابق را توسط عوامل و دستگاه امنیتی و سرکوبگر حکومت اسلامی محکوم میکند، به سازمانهای بین المللی پسر دوست در مرور سرتوشت دستگیرشدگان هشدار میدهد و خواهان آزادی فوری ویی قیلو شرط زندانیان سیاسی ایران است.

اطلاعیه

در نیمه دوم نوامبر ۱۹۹۷ نشست یک روزه ای بدعوت دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران، در سطح اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و سازمان فدائیان (اقلیت) پیامون اوضاع سیاسی ایران برگزار شد. درین نشست در مرور تحولات سیاسی ایران در چند ماهه اخیر، تشیید شکاف در درون رژیم، صفت بنیهای جلید در تیرهای اپوزیسیون، گسترش تحرک در میان کارگران و بخششی محروم جامعه ایران و چشم انداز اوضاع سیاسی در ایران بحث و تبادل نظر شد. حاضرین ضمن تاکید بر ضرورت تشیید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، بر ضرورت تلاوم ربطه و تبادل نظر بین جریانات چپ که برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی مبارزه میکنند و بررسی زمینه های همکاری مشترک تاکید کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان (اقلیت)

۹۷ نوامبر ۲۷

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷۶/۸/۲۱

اطلاعیه مشترک

بازداشت شدگان روزهای اخیرو زندانیان سیاسی را فورا آزاد کنید!

طی روزهای اخیر و در آستانه برگزاری کنفرانس سران اسلامی، حکومت اسلامی آشکارا برآمدن اقامتات ترویستی و سرکوبگرانه خود افروزد، است و موج جلیلی از دستگیری مخالفین و بازداشت مجدد زندانیان سیاسی سابق را در سراسر کشور آغاز نموده است. درین پوشش همه جانبه، دهها تن از زندانیان سیاسی و مخالفین رژیم در تهران، مشهد، اصفهان، تبریز و سایر شهرستانها بازداشت شده، مورد آزار و شکنجه قرار گرفته و بعضی به اماکن نامعلومی انتقال داده شده اند. در مناطق کردنشین نیز جمهوری اسلامی علاوه بر ترور مخالفین خود، دهها تن را در شهرهای مختلف کردستان از جمله بوکان، سردهشت، مهاباد و ستنج توسط عمال سرکوبگر و دستگاه امنیتی خود دستگیر نموده و مورد بازجویی و شکنجه قرارداده است.

این اقامتات سرکوبگرانه که ببنیال تشیید اختلافات درونی رژیم و تمام دروحشت از گسترش حرکات اعتراضی توده های مردم صورت میگیرد، یکبار دیگر لین حقیقت رایه همگان نشان میدهد که جمهوری اسلامی رژیمی است سرکوبگر و تمام جناح های آن مرجع اند و ضد آزادی. این اقامتات همچنین این واقعیت را باز دیگر دربرابر چشم همگان قرار میدهد که تحقق آزادی های سیاسی و دمکراسی، در گرو سرنگونی تمامیت لین رژیم است.

ماضمن محکوم کردن پوشش دستگاه امنیتی رژیم و بازداشت مخالفین و زندانیان

حزب دمکرات کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان (اقلیت)

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۹۷/دسامبر/۱۸ - آذر ۷۶

اطلاعیه مشترک

اقدامات تروریستی و جنایتکارانه رژیم رامحکوم میکنیم!

هنوز چند روز از تور یکی از فعالین حزب دمکرات کردستان ایران بنام سید جمال نیکجوبان در تاریخ دوازدهم آذر در شهر کویستیق نگذشته بود که سحرگاه دیروز ۷ آذر، تروریست های اعزامی جمهوری اسلامی، جنایت دیگر آفریندند. مزدوران وابسته به رژیم، در زندگانی شهروک دوکان، خودروی راکه حامل چند تن از فعالین حزب بود به تیر باز بسته واژ محل گریختند. در اثر این اتفاق جنایتکارانه منصور فتاحی از فعالین حزب دمکرات دردم کشته و سه تن دیگر زخمی میشوند پس خودروی مزبور بست میکنند که در محل ورودی شهر، بار دیگر از سوی مزدوران وابسته به رژیم بشدت به رگار بسته میشود که در اثر آن ۴ تن دیگر از فعالین حزب دمکرات بنامهای ناصری، اسماعیل زاده، حسینی و شیرین سخن نیز جان خود را ردست میلهند.

این اقدامات جنایتکارانه یکبار دیگر لین حقیقت را به اثبات میرساند که حکومت اسلامی ماهیت ایک رژیم تروریست و آدمکش است و تعیض رئیس جمهور در این رژیم، هیچ تغییری در ماهیت آن و در ضدیتش با مردم، بویژه مردم سنتیه کردستان ایجاد نمیکند.

ما این اقدامات جنایتکارانه جمهوری اسلامی و همچنین آن نیروهای محلی را که پای جمهوری اسلامی را به منطقه باز نموده، آشکار و نهان به این رژیم در تور و سرکوب مخالفین خود یاری میکنند قویاً محکوم میکنیم و خواهان شناسائی و مجازات فوری مسببین و مرتكبین این جنایات هستیم.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان (اقلیت)

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۷۶ - ۱۸ آذر - ۹۷ دسامبر

تاریخ مختصر ...

دادند و بعداً در ۱۸۹۴ حزب کار سوسیال دمکرات هلند را تشکیل دادند. در کشورهای اسکاندیناوی نیز در همین ایام احزاب سوسیالیست شکل گرفتند. در ۱۸۷۶ اتحادیه سوسیال دمکرات تشکیل گردید که در اوخر دهه ۸۰ به انشعابی میان جناح اپورتونیست و انقلابی انجامید. جناح انقلابی حزب سوسیال دمکرات رابرمنی اصول سوسیالیسم علمی تشکیل داد. در سوئد کنگره، مویسان حزب کار سوسیال دمکرات در ۱۸۸۹ تشکیل گردید، اما رهبری آن در دست رفمیستها فرار گرفت. حزب کار نیز در ۱۸۸۷ تشکیل شد. در کشورهای دیگر از جمله در ایتالیا، حزب کار در ۱۸۸۲، در سوئیس حزب سوسیال دمکرات در ۱۸۸۸ و در همین ایام در اسپانیا و بلغارستان و برخی کشورهای اروپای شرقی از جمله روسیه، مجارستان، لهستان احزاب و دیگر تشکلهای کارگری شکل گرفتند. رویه رفتنه احزابی که در این دوران شکل گرفتند، عمداً و در خطوط کلی اصول سوسیالیسم علمی را پذیرفتند. آنها طبقه کارگر را نیروی محركه جنبش می دانستند، به سرنگونی بورژوازی و نظام موجود توسط پرولتاریا معتقد بودند و خواستار کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر، برانداختن مالکیت خصوصی و برقراری مالکیت اجتماعی بودند. از نظر تشکیلاتی نیز به مصوبات کنگره لاهه یعنی اصل ساترالیسم دمکراتیک معتقد بودند، معهدها هم در زمینه برنامه ای و تاکتیکی و هم تشکیلاتی انحرافاتی وجود داشت که به رشد جریان راست و رفمیست میدان میداد. این واقعیت بلا فاصله پس از تشکیل انتربنیویال دوم خود را نشان داد که در فصل بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ادامه دارد

منابع:

۱۲ - کارگران خودشان، واین ترب

۱۹ - تاریخ مختصر جنبش اتحادیه ای، ویلیام فاستر

۱۵ - جنبش بین المللی طبقه کارگر - جلد دوم

چهارداران حزب الهی توضیح خود را شدت بخشیده اند

چهارداران حزب الهی وابسته به دستگاه نظامی - انتظامی و امنیتی حکومت اسلامی، تعریض افسار گشیخته خود را به مردم و جناح های رقیب حکومت شدت بخشیده اند.

عصر روز گشته گروهی از این دستجات چهاردار به دفتر اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاهی کشور که وابسته به یکی از جناح های رقیب در دستگاه حکومتی است، یورش برداشت، همه چیز را در دهم کوییند، کسلی را که در آن محل بودند مورد ضرب و شتم قرار دادند و یکی از سران این انجمن به نام طبرزی را شلیداً زخمی و روانه بیمارستان کردند.

در همین حال گروههای دیگری از همین باندها با تجمع در آمفی تئاتر دانشگاه صنعتی امیر کبیر، مانع از سخنرانی دکتر سروش شدند.

تشدید حملات باندهای چهاردار حزب الهی، حتی به گروههای رقیب و پژوهشیهای قانونی حکومت اسلامی، در حالی که چند ماه از به قدرت رسیدن خاتمه و عده و عیلهای او می گزد، حاکی از این حقیقت است که جمهوری اسلامی هیچگونه انتقاد و مخالفتی را حتی در درون مدافعان خود تحمل نمی کند و گروههای اپوزیسیون قانونی حکومت نیز نمی توانند از آزادی سیاسی برخوردار باشند. این حقیقت باز هم به مردم ایران نشان داد مadam که حکومت اسلامی پایرجاست، هر جناحی که برس کار باشد، از آزادی و دمکراسی خبری نخواهد بود. تحقق خواستهای برحق مردم ایران از جمله آزادیهای سیاسی تنها با سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی و همه جناحهای آن امکان پذیر خواهد بود.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت)

۷۶/۸/۲۵

تشدید تعریض سرکوبگرانه حکومت

در حالی که جارچیان ارتاج اسلامی حاکم برایان از استحالة لیبرالی حکومت دم میزنند و مردم را به عده و عیلهای خاتمه ایمیلوار میسازند، روند تحولات با سرعتی تمام و تمام براین توهمند پراکنی ها خط بطان میکشد و عملاء به عموم مردم ایران نشان میهند که این ادعاهای جز یک مشت عبارات پوچ برای فریب مردم چیز دیگر نیستند. تحولات چند روز اخیر که با یک رشته تظاهرات حکومتی و اقامات سرکوبگرانه دیگر توأم بوده است، نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی مطقاً هیچ مخالفت و اعتراضی را تحمل نمیکند. این رویدادها نشان داد که حکومت اسلامی حاکم برایان، حتی اعتراضات و نصائح مرتجلعین درون دستگاه روحانیت راکه در اساس، سیستم استبدادی ولایت فقهی رامی پذیرند، با سرکوب و چماق و تهیید پاسخ میدهدواین آزادی را برای آنها نیز قائل نیست که حرفي درانتقاد از حکومت پذیرند و احیاناً درک و تفسیر خود را از حکومت اسلامی ایاز دارند.

وقتی که حکومت، انتقاد و مخالفت امثال آذربی قمی و منتظری راکه خود از پایه گذاران و مدافعین حکومت اسلامی وولایت فقهی بوده و هستند، با فحاشی و سرکوب و تهیید به زنان و مرگ پاسخ میدهد، دیگر تکلیف کسانی که این نظام را اساس قبول نهارند روش است. سازماندهی تظاهرات علیه منتظری و اقامات سرکوبگرانه دیگری که اختلال در آینه انجام خواهد گرفت، هدفش نه تنها مرعوب نمودن و سرکوب او به عنوان یکی از معتبرین به جناح حاکم، بلکه همه کسانی است که به نهودی از انجاه، اعتراض و مخالفتی نسبت به حکومت دارند. هرچند که ظاهراً این اقدامات سرکوبگرانه از سوی جناح مسلط هیئت حاکمه انجام گرفت، اما جناح های دیگر نیز در این سرکوب سهیم بودند و بیش از پیش خود را سروساً و مفتخض کردند. خاتمه نیز که گویا قرار بود از آزادی افراد در چارچوب قانون اساسی رژیم حمایت کند، نه تنها اعتراضی نکرد و صدای دینیامد، طرفدار حکومت اسلامی، استبداد ولی فقهی و تلقیق دین و دولت، نیتیاند مدافع آزادی باشد.

خاتمه هم باید در هر گام عملی ماهیت ارجاعی و ضد دمکراتیک خود و برنامه هایش را حتی بر متوجهین بر ملا سازد. او هم چاره و رسالتی جز این نثارد که بحران حکومت را تشیید کند و در عین حال باز هم به همگان نشان دهد که تحقق آزادی و دمکراسی و مطالبات رفاهی مردم تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی میسر است.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷۶/۹/۶



فرانسه

نمایندگی از ۸۰ کارخانه رن - پولنک (مجتمع عظیم داروئی - شیمیائی) در محل دفتر مرکزی این شرکت درکوب و آواست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در حالی صورت گرفت که درین روز کلیه واحدهای تولیدی این شرکت دراعتصاب بودند. ۲۰۰۰ کارگر این شرکت از تمام فرانسه به دعوت CGT, CFDT, FO, CFTC جمع شده بودند تاسیستهای کارفرمایان را در باطنه با «بازسازی» این گروه افشا و با آن مخالفت کنند. چهار سنتیکای فوق در اطلاعیه مشترکی «عملیات کاملاً مالی خیرید RP Rorer را بambilعی برای ۲۷ میلیارد فرانک» افشا نموده و آنرا «ازجهت اجتماعی و صنعتی بی مورد» توصیف نمودند.

* روز چهارشنبه ۵ نوامبر «امدادرسانی کاتولیک» که همانطور که از نام آن پیداست یک بنیادکنک رسانی به مستمندان است که توسط دستگاههای مذهبی فرانسه اداره میشود، نتایج مطالعات خود را روی وضعیت ۷۵۱۰۰ خانوارهایی که در کل ۲ میلیون نفر از جمله ۵ درصد کودک را شامل میشوند و در طی سال ۱۹۹۶ به این بنیاد مراجعه نمودند، انتشار داد. بر طبق این کارشن مراجعه کنندگان ۱۰ درصد نسبت به سال ۱۹۹۴ افزایش داشته اند و ۸۳ درصد آنان فرانسوی هستند. ۶۰ درصد بیکارهایی که از میان آنان ۵۵ درصد دیگر هیچگونه حقوق بیکاری دریافت نمیکنند. ۸۵ درصد مراجعه کنندگان نیمه وقت یا تمام وقت کار میکنند ولی قادر به برآوردن احتیاجات خود نیستند. ۲۸ درصد خانوارهای مراجعه کننده مقرض هستند، قروض آنان بیشتر شامل علم پرداخت کرایه خانه و فاکتور برق، آب یا گاز میباشد. قرض متیسط آنان از حدود ۴۳۳۳ فرانک در سال ۱۹۸۹ به ۷۵۲ فرانک در سال ۱۹۹۶ رسیده است. در سال ۱۹۹۶، ۹ درصد بیکاران ثبت نام شده در دارا بیکاری ۵۰ یعنی ۴۲۲۰۰ نفر به این بنیاد مراجعه نموده اند. درصد بیکاران کمتر از ۳۰۰ (سیصد) فرانک در ماه حق بیکاری دریافت میکرده اند و ۶۶ درصد آنان کمتر از ۴۰۰ فرانک. ۷۸ درصد مراجعه کنندگان را شهر نشینان تشکیل داده، ۵ درصد صاحبان خانه های هستند که قسط آنها راهنوز تمام نکرده، ۳۹ درصد مستاجر خانه های دولتی و ۲۴ درصد درخانه های ابتدایی یا بدون سرینا هستند. ۵۶ درصد مراجعه کنندگان مبلغی کمتر از ۶۰ فرانک در روز برای زندگی دارند.

قریبیه: دانشگاه استانبول در دو ماه گذشته صحنه درگیریهای متعددی بین دانشجویان چپ و اقلایی و جریان فاشیست ترکیه - گرهای حاکستری - بوده است. روز ۱۷ نوامبر نیز مجدداً درگیری شدیدی بین دانشجویان چپ و فاشیستهای ترکیه در این دانشگاه رخ داد که چند روز ادامه داشت. روز ۱۹ نوامبر، ۳ نفر از دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول با چاقو مورد حمله قرار گرفتند و بشدت مجروح شدند. در این درگیریها، پلیس ترکیه دخالت کرده و با ضرب و شتم وحشیانه دانشجویان چپ، عرصه را برای تاخت و تاز فاشیستها هموار نمود. روز ۲۳ نوامبر نیز به دعوت سنتیکای کارگران اقلایی ترکیه DISK و تعدادی دیگر از اتحادیه های کارگری، ۳۰۰ نفر در یک راه پیمایی اعتراضی در استانبول شرکت نمودند. در این روز ۱۵ نفر دستگیر شده و تعداد زیادی در اثر حملات وحشیانه پلیس مجروح شدند.

آلمان: ماه سپتامبر و اکتبر نیز روند بیکاری در

در شهر «پونت آن» فرانسه چهارمین هفته اعتصاب خود را علیه تعطیل این شرکت آغاز نمودند. شرکت «سوبیک» که این کنسرو سازی را خریداری کرده میخواهد از ۲۲۵ کارگر ۸۷ نفر از شرط اینکه آنان به شهریگری بروند، در مشاغل خود حفظ کند.

* روز جمعه ۸ نوامبر اعتصاب ۵ روزه رانندگان کامیون به پایان رسید. رانندگان کامیون سال گذشته به یک اعتصاب ۱۲ روزه دست زده بودند. در طی آن اعتصاب کارفرمایان وعده افزایش دستمزدها و پرداخت یک پاداش ۳۰۰ فرانک در سال را داده بودند. از آنجاییکه به این قولها عمل نشد، رانندگان با سازماندهی بی نظر، اعتصاب امسال را آغاز نمودند، درحالی که سال گذشته رسانی به اشغال اعتصایون درآمده بود، امسال تنها در عرض دو روز بیش از ۱۹۰ مسلود سازی همان مناطق به مرحله عمل درآمد. کارفرمایان دریندا از هرگونه مذاکره سیارازده و خواسته های اعتصایون از جمله ۱۰۰۰ فرانک برای ۲۰۰ ساعت کار در ماه، پرداخت ۳۵۰ ساعت بیش از ۲۰۰ ساعت کارهایی را برای شرکتی که از اول ژانویه سال ۲۰۰۰ با تصویب یک قانون، پایه ساعت کار به ۳۵ ساعت بیش از ۲۰۰ ساعت کسر دستمزد اجرا شود.

به این قانون برای شرکتی که خواهد بود که بیش از ۱۰ نفر حقوق بگیر دارند. دولت پادشاهی را برای شرکتی که از هم اکنون ساعت کار را پایین می آورند درنظر گرفت. کایله سنتیکای های حاضر، البته بجز سنتیکای کارفرمایان یعنی CNPE از نتیجه این کنفرانس راه اعلام جنگ» خوشحالی کردند و آنرا آغازی برای کاهش بیکاری نامیدند. برعکس رهبر سنتیکای کارفرمایان زن گانلوا که چند روز بعد استغنا داد نتیجه این کنفرانس راه اعلام جنگ» نامید. او همچنین گفت که او اهل «مذاکره» بوده و از این پس سنتیکای کارفرمایان توسعه «قاتلین» اداره خواهد شد. ۶۳ درصد مردم فرانسه دریک نظر خواهی چند روز قبل از کنفرانس موافقت خود را برابر این تقلیل ساعت کار بیش از ۳۸۸۲۲۳ شرکت بیش از ۱۰۰۰ نفر حقوق بگیر دارند و تهیه شرکت بیش از ۱۰۰۰ نفر.

* روز ۶ اکتبر ۹۷ کارگران شرکت آب معنی (پریه) برای اعتراض به حذف ۷۳۷ شغل دست به اعتصاب زدند و از ۱۸۰۰ مزد بگیر این شرکت در شهر ورزش تهیه ۲۰ کارمند عالیرتبه دراعتصاب شرکت نکردند. کارگران با اولی، آقای مارک بلونل دبیر اول دومی، خانم نیکول نوتا را «روسپی ای که با نخست وزیران چپ و راست هم خوابگی و سازش میکند» نامید. او با استفاده از این واژه ها قصد داشت یاد آوری کند که خانم نیکول نوتا در دوران دولت دست راستی آقای رژیه با او سازش کرد و موجب توافق اعتصابات وسیع نوامبر و دسامبر ۱۹۹۵ شد و امروز با دولت دست «چپی» روشپن هم سازش کرده و اعتصاب رانندگان کامیون را بیکاری تهیه کرد.

* روز ۲۵ نوامبر رانندگان اتوبوس های شهر روان، سیزدهمین روز اعتصاب خود را آغاز کردند. آنان تنها خواستار تحقق تفاهمات خود با کارفرمایان که دریک اعتصاب ۱۷ روزه در سپتامبر ۱۹۹۶ حاصل شده هستند. بر طبق لین تفاهمات ساعت کار آنان از ۲۸ ساعت میبایستی به ۳۶ ساعت در هفته تقلیل یابد و بین ترتیب ۸. شغل جدید ایجاد شود. هر چند که دولت قول «کمک» ۸. میلیون فرانکی را به کارفرمایان بخش خصوصی حمل و تقلیل لین شهر داده است، ولی آنان به بهانه «علم ضمانت کافی» از اجرای تفاهمات سیار میزنند.

* روز پنجشنبه ۶ نوامبر نیز به ۲۰۰ کارگر به

روز ۱۰ اکتبر در کنفرانسی که ۹ ساعت طول کشید رهبران و نمایندگان سنتیکای های کارفرمایان، کارگران و کارمندان فرانسه بهمراه نخست وزیر گرد هم آمدند تا در مرور تقلیل ساعت کار هفتگی از ۳۹ ساعت به ۳۵ ساعت بیش کسر دستمزد گفتگو کنند. سراجام قرار شد که از اول ژانویه سال ۲۰۰۰ با تصویب یک قانون، پایه ساعت کار به ۳۵ ساعت بیش از ۲۰۰ ساعت بیش کسر دستمزد اجرا شود.

به این قانون برای شرکتی که خواهد بود که بیش از ۱۰ نفر حقوق بگیر دارند. دولت پادشاهی را برای شرکتی که از هم اکنون ساعت کار را پایین می آورند درنظر گرفت. کایله سنتیکای های حاضر، البته بجز سنتیکای کارفرمایان یعنی CNPE از نتیجه این کنفرانس راه اعلام جنگ» خوشحالی کردند و آنرا آغازی برای کاهش بیکاری نامیدند. برعکس رهبر سنتیکای کارفرمایان زن گانلوا که چند روز بعد استغنا داد نتیجه این کنفرانس راه اعلام جنگ» نامید. او همچنین گفت که او اهل «مذاکره» بوده و از این پس سنتیکای کارفرمایان توسعه «قاتلین» اداره خواهد شد. ۶۳ درصد مردم فرانسه دریک نظر خواهی چند روز قبل از کنفرانس موافقت خود را برابر این تقلیل ساعت کار بیش از ۳۸۸۲۲۳ شرکت بیش از ۱۰۰۰ نفر حقوق بگیر دارند و تهیه شرکت بیش از ۱۰۰۰ نفر.

* روز ۶ اکتبر ۹۷ کارگران شرکت آب معنی (پریه) برای اعتراض به حذف ۷۳۷ شغل دست به اعتصاب زدند و از ۱۸۰۰ مزد بگیر این شرکت در شهر ورزش تهیه ۲۰ کارمند عالیرتبه دراعتصاب شرکت نکردند. کارگران با اولی، آقای مارک بلونل دبیر اول دومی، خانم نیکول نوتا را «روسپی ای که در حالیکه شرکت مادر یعنی (نستله) سود خالصی برابر ۷/۷۵ میلیارد فرانک داشته ادعاهای مدیریت برای «بازسازی» شرکت و تقلیل «مخارج» بی معنی است.

روز ۲۵ اکتبر ۹۷ حلو ۱۰۰۰ نفر (مردم شهر ورزش و کارگران شرکت آب معنی) نیز علیه «بازسازی» در خیابان های این شهر دست به تظاهرات زدند.

* کارگران کشش سازی (میریس) در اعتراض به تعطیل کارخانه خود در شهر لیمو فرانسه روز ۲۷ اکتبر ۹۷ دست به اعتصاب زدند، ۴۰۰ کارگر این کارگران، جاده کالسون - لیمو - کیلان را مسلود کرده و پسیس به دفتر شهردار پرتاب کردند. درین کارگران این شرکت کسانی هستند که بیش از ۲۵ سال سابقه کارداری هایی را دارند.

* روز ۲۵ اکتبر کارگران کنسرو سازی «سی دیل»

قتل رسیده و تعداد زیادی مجروح شدند و پایتخت این کشور کاملا در اشغال نیروهای ارتش بود.

نخست سوان اروپا برای «حل» معرض بیکاری

روز ۲۱ نوامبر سران کشورهای عضو بازار مشترک اروپا EU نشستی را تحت عنوان «بازار واحد اروپا و اشتغال» در شهر بروکسل آغاز نمودند. سران این کشورها که مجموعاً ۱۸ میلیون بیکار دارند، پارشد اعتراضات کارگران، به چاره جوشی برخاسته اند، اما برغم تبلیغات پر سر و صدا، این نشست توانت راه حل معینی برای مساله بیکاری اراحته نهاد.

طی روزهای ۲۰ و ۲۱ نوامبر بیش از ۲۰ هزار تن از کارگران سراسر اروپا در شهر بروکسل گردhem آمدند و دست به راه پیمانی و ظاهرات زدند. کارگران در این حرکت ۲ روزه خواهان حل فوری معرض بیکاری شده و سیاستهای اقتصادی کشورهای اروپائی را عامل اصلی گسترش بیکاری دانستند.

اعتراض ۴۵ هزار تن از کارگران و کارکنان پست کانادا

روز ۲۰ نوامبر، با به بن بست رسیمن مذاکرات بین «اتحادیه کارگران اداره سراسری پست کانادا» CUPW و دولت، بیش از ۴۵ هزار تن از اعضاء اتحادیه دست به اعتراض نامحدود زدند. اعتضاییون غلغلو برای کارگران و کارکنان شدند که قرارداد موقد کار امضاء نموده اند. مذاکره طرفین در چهارمین روز، به بن بست رسید و دولت از پذیرش مطالبات سریاز زد و متعاقباً ۱۵۰۰۰ تن از کارگران را اخراج نمود. این امر به بیانی اعتراض ۲۰ نوامبر انجامید که در نتیجه آن حمل و نقل و توزیع مراслات پستی متوقف شد. با تتوام اعتراض، دولت در هر اس از گسترش اعتضایات در سایر بخشها، هر گونه اعتراض را منع اعلام کرد. با این وجود اعتراض فوق همچنان ادامه دارد.

خلاف جریان انگلیسی منتشر شد

دهمین شماره نشریه «خلاف جریان» به زبان انگلیسی منتشر شد. این شماره حاوی ترجمه گزیده ای از مقالات نشریه کار و اخبار ایران است.

توضیح و تصویح

در صفحه اول شماره ۳۰۷ نشریه کار، پانزدهمین کنگره حزب کمونیست کوبا، یازدهمین و سیتوں مباحثات، ستون آزاد قید شده بود که بدینوسیله اصلاح میگردد.

چندین بار کار را تعطیل کرده، کارگران معدن و بخش تولید برق بزرگ در چندین اعتضای مخالفت خود را با خصوصی سازیها اعلام نموده و کارگران بنادر، شرکتهای هوایی و حمل و نقل شهری مکریک نیز با برگاری چندین اعتضای خواستار توقف فوری خصوصی سازیها شدند.

کلمبیا: کارگران شرکت ملی نفت کلمبیا Ecopetrol از روز ۲۷ اکتبر دست از کار کشیدند. این اعتضای در اعتراض به تصمیم دولت مبنی بر واگذاری بخشی از صنایع نفتی این کشور به شرکتهای خصوصی انجام گرفت. به گفته اعتضاییون با اجرای لین تصمیم دولت، امنیت شغلی کارگران از بین رفته و اخراج هزاران کارگر به بهانه «تعییل نیروی انسانی» مختسبین پی آمد آن خواهد بود.

یونان: روز ۱۰ نوامبر، هزاران نفر از کارگران بخش دولتی دست به یک اعتضای بکروزه زدند. این حرکت در اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت یونان در راستای ایجاد زمینه های لازم برای عضویت این کشور در بازار واحد اروپا، انجام گرفت. به همین منظور بنا به تصمیم دولت در سال آینده دستمزدها تنها به میزان ۱/۵ درصد افزایش خواهد یافت. این تصمیم اما مخالفت اکثریت کارگران را به دنبال داشته و روز ۱۰ نوامبر هزاران کارگر بخش دولتی این کشور به دعوت فدراسیون اتحادیه های کارگری یونان GSEE دست به یک اعتضای بکروزه زده و خواستار افزایش دستمزدهای خود متناسب با نرخ تورم این کشور، یعنی حدود ۱۰ درصد شدند. در این روز تمام خطوط هوایی، حمل و نقل شهری، پانکها، مدارس و مراکز دولتی تعطیل شده و چندین شهر این کشور، به دلیل اعتضای کارگران بخش ازیزی، ساعتها در تاریکی فرو رفندند.

جمهوری دومینیکن: تشلید بحران عمیق اقتصادی در جمهوری دومینیکن نتیجه ای جز افزایش سرسام آور هزینه های اولیه زندگی و کاهش هردم فراینده سطح زندگی میلیونها کارگر و زحمتکش نداشته است. فشار شدید اقتصادی به همراه سرکوب وحشیانه هر حرکت اعتراضی، وضعیت اتفاقی را در این کشور بوجود آورده است. در یکسال اخیر این کشور شاهد ۳۱ اعتضای عمومی بوده است. در این اعتضایات جماعت ۱۳ نفر در اثر تیراندازی ماموران پلیس و ارتش کشته شده و هزاران نفر مجروح شده اند. به دعوت اتحادیه های کارگری و چندین سازمان دموکراتیک، روز ۱۱ و ۱۲ نوامبر در این کشور اعتضای عمومی اعلام شد. خواست اعتضاییون در این حرکت وسیع اعتراضی، افزایش دستمزدها به میزان ۱۰۰ درصد و توقف پرداخت قروض خارجی این کشوریه موسسات مالی امپریالیستی بود. در لین دو روز تمام کارخانجات، حمل و نقل شهری و بین شهری مسافران، مراکز دولتی، مدارس و بیمارستانها یکسره تعطیل شده، و توده های تاراضی مردم و کارگران خشمگین در چندین شهر این کشور به زد و خورد با نیروهای سرکوبگر پلیس و ارتش پرداخته و برای مقابله با وحشیگریهای نیروهای سرکوبگر به بیانی سنگرهای خیابانی پرداختند. در لین دو روز یکنفر توسط پلیس به

آلمن سیر صعودی داشت. در ماه سپتامبر ۳۴ هزار نفر و در ماه اکتبر ۱۶ هزار نفر به تعداد بیکاران این کشور افزوده شده، و اکنون تعداد کل بیکاران این کشور به رقم ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بالغ میگردد. این تعداد از جنگ دوم جهانی تاکنون بیسابقه بوده است. در این میان تعداد بیکاران در بخش شرقی آلمان ۱ میلیون و ۴۶ هزار نفر و در بخش غربی آلمان ۳ میلیون و ۶ هزار نفر میباشد.

طبقه کارگر اروپا و جنبش ۳۵ ساعت کار در هفته

اوخر ماه نوامبر، دولتهای ایتالیا و فرانسه اعلام نمودند که ساعات کار هفتگی در این دو کشور تا سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ به ۳۵ ساعت در هفته خواهد رسید. این تصمیم در پی افزایش روز افزون بیکاری در این کشورها و رشد و گسترش مبارزات کارگران برای حفظ اشتغال خود گرفته شد. علاوه بر کاهش ساعت کار هفتگی، کاهش سن بازنیشستگی و افزایش مرخصی سالیانه نیز از دیگر خواستهای کارگران برای مبارزه با بیکاری میباشد. در همین رابطه به دعوت حزب «بازسازی کمونیستی» و اتحادیه های کارگری ایتالیا، روز ۲۵ اکتبر راه پیمانی وسیعی در شهر رم بیان شد. در این راهپیمانی بیش از ۲۰ هزار نفر شرکت نموده و تظاهرکنندگان اعلام نمودند که برای تحمیل ۳۵ ساعت کار در هفته به سرمایه داران، جنبش تمام کارگران اروپا را تراک خواهند دید. روز ۲۳ نوامبر نیز هزاران نفر از زنان فرانسه به دعوت بیش از ۱۵ سازمان مختلف زنان و اتحادیه های زنان کارگر در خیابانهای پاریس دست به راهپیمانی زده و خواستار کاهش ساعت کار هفتگی بدون کسر دستمزدها شدند.

اتحاد کارگران علیه خصوصی سازی

روز ۱۴ نوامبر، صدها نفر از فعالین کارگری از کشورهای آمریکا، مکریک، بزرگ و چند کشور دیگر بخش جنوبی قاره آمریکا در سلفانسیسکو گرد هم آمدند. این تجمع با عنوان «وحدت کارگران نیمکره غربی علیه خصوصی سازی و پیمان اقتصادی نفتا» بازار مشترک بین ۳ کشور کانادا، آمریکا و مکریک و با هدف ایجاد هماهنگی بین مبارزات کارگران این کشورها علیه خصوصی سازی برگزار شد. قدرتمندترین اتحادیه های کارگری نظریه اتحادیه کارگران راه آهن بزرگ، اتحادیه کارگران حمل و نقل و اتحادیه کارگران کشاورزی آمریکا، اتحادیه رانندگان اتوبوس و اتحادیه کارگران نیروگاههای برق مکریک، فدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری پرو در لین نشست شرکت کرده و عزم راسخ میلیونها کارگر را برای ادامه مبارزه متحد و گستره علیه تعرضاً سرمایه داران اعلام نمودند. در چند ماه اخیر کشورهای قاره آمریکا شاهد رشد روزافون مبارزات کارگران علیه خصوصی سازی بوده اند. در این مدت معلنچیان بولیوی ۴ بار و کارگران بخش تولید انرژی آب و برق در اکوادور ۳ بار دست به اعتضای عومومی زدند. در پاراگوئه و بزرگ میلیونها کارگر کشاورزی علیه خصوصی سازی کشت و صنعتهای دولتی

خبری از ایران

و مرکوز تولیدی، کارگران در هنگام کار تامین حانتی نارانهور از سوانح ناشی از کار، هزار چند گاه زخمی و مجوخ و علیل میشوند و یا جان خود را لاست میلهند. بنا به اظهارات یکی از کارگران این شرکت، روز ۷۶/۷/۳، یکی از کارگران موقع کار با دستگاه قالب زن، در لای دستگاه گیر کرده و با پرس شدن سر وی، جان خود را لاست میلهند. طبق همین اظهارات علت بروز این حادثه فرسوده بودن سیستم دستگاه و اگر دستگاه قالب زن اتوماتیک بود که قبیل از آن به کارفرما تذکر داده شده بود. مرگ این کارگر که دارای همسر و سه فرزند است و مغزش در لای دستگاه له شد، به سادگی و با صرف اندک هزینه توسط کارفرما، قابل اختتام بود. حرص و آزار این کارفرما اما همچون سایر کارفرمایان و سرمایه داران به مرگ کارگر انجامید. سرمایه دار کارگر رالشیار میکند و پرایش مهم نیست کارگر دچار مسمومیت یا سلطان میشود، سلامتی و بینائی اش را لاست میلهند و با لای دستگاه پرس میشود! او فقط در فکر سود است. دولت هم از خود سرمایه داران است و حامی آنها. نه در فکر تامین امنیت جان کارگر، که در فکر تامین امنیت سرمایه است و مسئولیت تمامی سوانح ناشی از کار متوجه سرمایه داران و دولت آنهاست.

□ سه کارگر ساختمانی جان باختند

دراواسط آبان سه کارگر افغانی که در تهران در زیر زمین یک ساختمان در حال احداث مشغول کندن چاه بودند، به علت شکاف چاه که فاضلاب آن وارد چاه جلید شد در عمق ۲۵ متری جان باختند.

□ اعتراض به تعویق پرداخت حقوق

کارکنان شرکت چی سون کارگاه نواب، طی نامه ای به مطبوعات، اعتراض کرده اند که حدود ۵ ماه است حقوق آنها پرداخت نشده و میلیون شرکت به اتحاد، مختلف از پرداخت حقوق کارکنان سریاز میزنند. همچنین کارکنان دفاتر پست و مخابرات روستاها تابعه کرمانشاهان نیز اعتراض کرده اند که از شش ماه پیش حقوق آنها پرداخت نشده و هیچ مقامی هم جوابگوی علت عدم پرداخت حقوق آنهاشده است.

□ فرآگیر شدن قرارداد های مدت معین در کارخانه ها

سرمایه داران با استفاده از بخشانمه قرارداد موقت دولت، شماره کارگران را تشیید کرده و تا آجاتی که میتوانند، آثارهای حقوق و مطالباتشان محروم میسازند. آنها اکنون در باغی گسترش کارگران را به صورت موقت به کار میگیرند تا از افزایش حقوق کارگر و مزایای مربوط به حق پیمه سر باز زنند و علاوه بر این هر زمان که اراده کردند، کارگر را خارج کنند. ابعاد این مستعله اکنون به حدی است که حتی اعتراض مسئولین خانه کارگر را نیز برانگیخته است. دیگر اجرائی خانه کارگر تشکیلات استان همان اخیرا گفت: بسیاری از واحد های

سازمان سازندگی، حامی و رهبر اصلی کارگران سازندگی، حزب خود و خوششان ترین عنصر آن رادر مقلم و لایت فقیه قربانی کرد و جناح خامنه ای با این تعرض زمینه تعارضات گسترده تری را فراهم ساخت.

کشمکش بالا میگیرد

کرچه جریان برنده دریازی انتخابات دربرابر تعرض انتقام جویانه خامنه ای به شهرداریها، مستقیماً به دفاع از شهردارتهران وارد میدان نمیشد و دربرابر آن اساساً سکوت کرد، اما این ابان معنا نبود که در سایر زمینه ها نیز ساكت نشسته است. این ها نیز دست جناح رقیب را خواند بودند و اگر در زمینی که آن جناح تعیین کرده بود بازی نمیکردند، در عرض دائم از محلودیتها و موانعی که دستگاههای مختلف اعم از مجمع تشخیص مصلحت وقوه قضاییه وغیره برسی راه رئیس جمهور آنها گذاشته اند صحبت میکردند. از اینکه وزارت کشور اختیاراتش توسط سایر دستگاهها محدود شده است شکوه میکردند. این ها در همان حال که به یک تصفیه حساب وسیع و سرتاسری درسطح دستگاه اجرائی دست زده و مهره های وابسته به جناح مقابل راکنار میگذاشتند، گرلش مقابل را «متحجر» و «مردم فریب» میخوانند گوییش که نحوه تفکر آن دربرابر مردم فرارگفته ویا یستی «درنفعه خفه شود» اینها همچنین بطور تلیخی مرگ جناح مقابل را آزو میکردند و میگفتند که «مرگ آن با دخالت مردم درسرنوشت خود فراهم میشود» (سلام - ۱۰ آبان ۷۶) این بحث ها، تماماً با بحث حلوحلود اختیارات ولایت فقیه، زورگوئی های جناح شکست خورده توان بود. در مراسم مستقلی که یکسته از حامیان خاتمی به مناسبت ۱۳ آبان در تهران برگزارکردند، باریگ سروکله محتشمی پیلا شد. او در سخنرانی خود با حمله شدید به جناح خامنه ای که «دربرابریس جمهور ایستاده است» قدرت آنرا «پوشالی» خواند و از رؤسای قوه قضاییه و مقتنه هردو خواست «دست از کارشکنی های خود بردازند و به آغوش ملت باز گردند!» همین ها مراسم مشابهی در مشهد برگزار نمودند که بعد واعظ طبسی نماینده ولی فقیه در مشهد و تولیت آستان قنس رضوی عده آنها را بسیار قلیل خواند و از آنها گله کرد که در ظاهرات خود خواستار بر جیده شدن مجمع تشخیص مصلحت نظام شده اند. جناح خامنه ای که با قصد انتقام جوئی وارد میدان شده بود، دست از تعارضات خود برداشت، انصار حزب الله راهمه جا بکارگرفت و هرجا توانت به کتک کاری و ضرب و شتم و تهیید و خرابکاری پرداخت و از محتشمی خواست در مقابل رهبر و خواست او نایست و محتشمی و همفکرانش را نیز دعوت کرد تا «به آغوش رهبر باز گردند!» بحث ولایت فقیه واختیارات آن هر روز داغ تر و اوضاع

جناح شکست خورد ۵۰۰

درآورده کاهی که جناح خامنه ای با دقت به انتخاب آن دست زده بود، پرهیز کرده، عملاً موتلف خود را نهاده گذاشتند و از آن جدا شدند و مجموعه نیرویشان دربرابر قبیل، بطری چشمگیری تضعیف گردید.

ثالثاً گرفتن یقه شهردارتهران فقط به این خاطر نبود که این دلیل هم بودکه شهردارتهران جزو افراد اصلی، بر جسته وبا نفوذ جریان کارگران سازندگی بود. وی فعالیت سیاسی، مطبوعاتی متمرکزی را در این زمینه سازمان میداد و در عین حال جزو قوی ترین و خوششان افراد این جیان بود. جویانی که میرفت تا رسماً بعنوان یک حزب سیاسی اعلام موجودیت کند. و جناح بازنشده گار را درست از شاخش چسیبد. زدن و خوارکدن شهردارتهران، معنایش زدن و خوارکدن کارگران سازندگی بود حتی قبل از آنکه بتواند رسماً اعلام موجودیت کند. دربرابر این تعارضات، رفسنجانی جبون و سازشکار که این جیان مستقیم وی شکل گرفته و ادامه حیات داده بود، هر چند پشت پرده تلاشهایی بعمل آورد تا از دامنه این تهاجمات بکاهد، اما او نیز عملاً سکوت کرده و کارچنانی انجام نداد. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصلحت را عجالتاً ایسطور تشخیص داده بودکه طفل دست پرورد خود را، قبل از آنکه توانایی راه رفتن با پای خود را کسب کرده باشد در وسط صحنه رها کرده و خود عبای خامنه ای بخزد.

رفسنجانی که در آخرین روزهای ریاست جمهوریش مقام ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بینگ آورده بود و بلافاصله پس از روی کارآمدن خاتمی با آقای رهبر به توافق ها و سازش های معینی رسیده بود، رفسنجانی که ناظر تضعیف بیش از پیش ولایت فقیه ویسته شدن کتاب «القلاب» و حکومت اسلامی بود، دیگر نه میخواست ونه میتوانست حرفی جیلی دربرابر اقامات جناح خامنه ای علیه شهردارتهران و جریان کارگران سازندگی که اساساً با خواست وهلیت آقای ولی فقیه پیش برده بود، بزیان براند. رفسنجانی میان ادامه روند تضعیف ولایت فقیه یا جلوگیری از لین روند و تضعیف جویانی که در تضعیف ولی فقیه نقش داشته است و دارد، میبایستی یکی را منتخب کند. و رفسنجانی که بهمان درجه که دریازی کردن میان جناح ها استعداد و مهارت دارد، درسازش با اینها نیز پر استعداد و مهار است، قبل از هم نشان داده و گفته بود که هر جا پای تضعیف ولی فقیه، محور نظام وستون حکومت اسلامی در میان باشد، او در کنار ولی فقیه خواهد ایستاد. علاوه بر این رفسنجانی میتوانست چنانچه در قضیه رسوای شهرداریها علناً به نفع شهردار تهران وارد میدان شود، این احتمال هم وجود دارد که قضیه بیخ پیدا کند و داستان ثروتهای باد آورده، بعد از فلان شهردار، به فلان فرد تردیک خانواده او نیز تسری یافته و خلاصه در جریان رو شدن دزدیها و اختلاس های دیگر، پای او یا دست کم نزدیکان او نیز بسیان کشیده شود. چنین بود که

یادداشت‌های سیاسی

مجاهدین، فاژسازیها . . .

خبری از ایران

تولیدی و صنعتی استان از بخشنامه قرارداد موقت سوءاستفاده میکنند و کارگران را به صورت موقت و مدت معین بکار میگیرند. او گفت: فراغیر شدن قرارداد های مدت معین در کارخانه ها باعث شده امنیت شغلی کارگران بطری خلی از بین برود.

اعطا ۱۵ سال معافیت مالیاتی به سرمایه‌داران

در جریان بازدید نمایندگان و اعضای کمیسیون های تخصصی مجلس شورای اسلامی، استانداران و مدیران کل اداره های بازرگانی و صنایع کشور از منطقه ویژه اقتصادی ارگ جدید و سیرجان، راههای اعطای معافیت های جدید مالیاتی به سرمایه داران مورد بحث قرار گرفت و بر ضرورت اجرای طرح معافیت های ۱۵ ساله مالیاتی تاکید نمودند.

عدم پرداخت حقوق کارکنان

پرداخت حقوق ماهانه کارکنان شیلات دراستان ها و نیز در مرکز به تعییق افتد. کارکنان شرکت شیلات در یادداشت اعتراض آمیز، خواستار دریافت حقوق معوجه خود شدند. همچنین جمعی از کارگران و کارکنان متوجه خود شدند. آن‌ها اضافه کارهای خود را دریافت نکردند. آنان نیز طی یادداشت اعتراض آمیزی خواستار دریافت طلب های معوجه خود شده و از جمله چنین نوشتند اند «ماجتمع اینرسنل قطار زیر زمینی متوجه هستیم، مدت ۵ ماه است اضافه کار و معوجه هایمان را دریافت نکرده ایم از مسئولین مربوطه تقاضای رسیدگی داریم».

صد ها کارگر در معرض بیکاری

طبق اخبار و گزارشات مندرج در روزنامه کاروکارگر، برخی از کارخانجات آذربایجان شرقی در معرض تعطیلی قرار دارند. کارفرمایان این کارخانه ها بدلاً لائل مختلفی از جمله «کبوددقینگی» و «علم فروش محصولات تولید . . . در صدد تعطیلی واحدهای تحت پوشش خود هستند. هم اکنون از شرکت های تولیدی آذلرآمپ و فیال (تولید کننده شن و ماسه) عنوان واحد هایی که در آستانه تعطیلی قرار دارند نام بده میشود که دریی آن گروه زیادی از کارگران از کار بیکار خواهند شد. یکی از دست اند کارکنان پیش بینی کرده است که دست کم ۱۲ شرکت و واحد تولیدی متعلقه در آینده چار چنین مشکلاتی خواهند گردید. همین گزارش حاکی است که «کارخانه داران به بهانه های مختلف قصد دارند تولید را تعطیل و بازار و آلات موجود در کارخانجات را به پول تبیل کنند».

بیکاری فزاینده

مدیر کل کار و امور اجتماعی استان اصفهان هنگام تشریح ←

که در سال ۸۶ پس از تائید پاپ ژان پل دوم منتشر گردیده» است مبنی براینکه «عنوان آخرین وسیله و مشابه آفرین چاره جوئی به مبارزه مسلحه روى آورده است» تقل میکند. وین هاست جوهر تمام آن چیزی که رهبر سازمان مجاهدین در چنین دارد تا در برایر دولت امپریالیستی آمریکا و وزارت امور خارجه اش و درنفی توریست بودنش بر زبان می آورد! لازم به توضیح نیست که این نحوه برخورد، قبل از هرچیز دلیلی است بر حضیض دلت مجاهدین در برابر امپریالیسم آمریکا وی اختیار انسان را باید کسی می اندازد که در راضی کردن ارباب خویش، رفع سوء تفاهم و جلب وی، اظهارات استمالت جویانه و متنفس عانه ای را بزیان جاری می‌سازد. براسی آیا ملایمت، ادب و تراکت آقای روحی در برخورد با وزارت خارجه آمریکا، برخورد دولت ایرانی او با دولت امپریالیستی آمریکا که درست صلوحتشاد درجه با برخورد مجاهدین نسبت به کمونیست ها، چپ ها و نیروهای انقلابی تفاوت دارد یک امر تصادفی است؟!

در هر حال از قلیم گفته اند کسی که خوبه میخورد، پای لرزش هم می نشیند! کسی که وارد معامله ویندوست با دول امپریالیستی و ارتقا عی میشود، باستی درانتظار چنین روزهایی هم باشد. اگر رویناد دوم خرد داد که عجالتا رئیس جمهور مجاهد را در آن سوی مزها متوقف ساخته و تهران رفتش را به تغییر انداده بود، به تنهای کافی بود تا سازمان مجاهدین را حسابی به مخصوصه و درد سر بیناند، این رویناد اخیر یعنی اقدام وزارت خارجه آمریکا، آنهم درحالیکه هنوز آثار سردردهای قبلی باقی بود، با توسل به همین شکردها امور خوبه را پیش برد اند و پس از هر اتفاقاً و شکستی، به سیاق جمهوری اسلامی آنرا توفيق و پیروزی قلمداد کرده اند و در هر حال هدف آن بوده است تا نیرو بیش از این ریزش نکند، وی چیزی بند شود در صحنه باشد. چنین هلفی زمانی با نمایش دو سه قوه تانک یا چند فروند هلی کوپتر اهدائی صدام حسین تامین میشود و زمان دیگری با نمایش حملت آمیز چند صد «پارلمانتر»!

اما بعد از این مهمترین نکته یعنی آرام سازی که بخش اعظم پیام آقای روحی از این راستکی میلدهد، نکه قابل توجه دیگری که در پیام لیشان پیش میخورد، نحوه برخورد شخص آقای روحی با دولت آمریکا و در آنجاست که کارشمارش تعداد «پارلمانتر» ها را رای پایان میبرد و سرانجام میخواهد از قول خودش هم چند کلامی «برای روش شدن اذکار عمومی داخلی وین الملکی نسبت به حقیقت امور» و چیزی در در سخن وزیر خارجه آمریکا بگوید. درینجاست که متن تهاجی پیام آقای روحی ناگهان سست و پیحال میشود، وی شکل یک گله مطالقا ظاهرا کوشینند، راه حلی دیبلماتیک برای حل بحران و شرط جمهوری اسلامی برای ورود سفیر آلمان پیدا کنند، گشت سفیر آلمان، اندکی پیچیده شد و چند ماه به طول انجامید، عجالتا بر طرف گردید. برغم اینکه طرفین آغاز گردید و با شرط و شروط جمهوری اسلامی برای بارگاهان سست و پیحال میشود، ویه شکل یک گله مطالقا بی رمق و خواهش دولت اند می آید. آقای روحی در برایر ادعای وزارت خارجه آمریکا به این اکتفا میکند که بگوید هو وزارت خارجه ای که به مقاومت و سازمان مجاهدین خلق برجسب توریسم میزند، دستش خالی است و هیچ سند و مدرک مح�مانه یا غیر مح�مانه ای که بتولید اتهام توریسم راثبات نمود وجود ندارد. و بعد که می بینند زیادی کلی حرف زده است میگوید «به صراحت بگویم که مخصوصا در وزارت خارجه آمریکا هیچ دلیل و مدرک جدی درین باره موجود نیست و اگر هست خواهشمندیم بلادرنگ آنرا افشا نموده و به اطلاع اذکار عمومی برساند» و بعد هم برای تکمیل استدلال ها واطمینان دارند به وزارت خارجه آمریکا، جمله ای را ز «سند و اتیکان با عنوان آزادی از دید مسیحیت و رهانی

باز گشت سفر اتحادیه اروپا

کشمکش دیبلماتیک - سیاسی میان جمهوری اسلامی و دولتها ای اروپائی که پس از آشکارشدن نقش سران حکومت اسلامی در ترور مخالفین، در دادگاه برلین و فراخواننده سفرای اروپائی از ایران به عنوان اعتراض آغاز گردید و با شرط و شروط جمهوری اسلامی برای باز گشت سفیر آلمان، اندکی پیچیده شد و چند ماه به طول انجامید، عجالتا بر طرف گردید. برغم اینکه طرفین اینکه طرفین ظاهرا کوشینند، راه حلی دیبلماتیک برای حل بحران و شرط جمهوری اسلامی برای ورود سفیر آلمان پیدا کنند، گشت سفیر آلمان، اندکی پیچیده شد و چند ماه به طول انجامید، عجالتا بر طرف گردید. برغم اینکه طرفین بود که پیش رفت و نه خواست دولتها ای اروپائی. این که سفیر فرانسه هم، سفیر آلمان راهنمایی کند یا نکند، درین واقعیت تغیری پدید نمی آورد که طبق خواست جمهوری اسلامی سفیر آلمان ملتی پس از ورود دیگر سفارت اروپائی وارد تهران شد.

پنیش این تحقیر سیاسی از سوی دولت آلمان ولیسا دیگر دولتها ای اروپائی، امری عجیب و غریب و دراز انتظار نبود. این دولتها در گذشته نیز نشان داده بودند که درقبال جمهوری اسلامی هر توهین و تحقیر، حتی صدور فرمان قتل ←

خبری از ایران

عملکرد سال گذشته اداره کل کار این استان، دریخشن مربوط به اشتغال چنین اعتراف کرد که در سال ۷۵، ۴۱۱۴۵ نفر مقتضای شغل ثبت نام کرده اند که از میان آنها فقط ۵۰۲ نفر بکارگارده شده اند. وی همچنین اظهار داشت که ۳۷۱۶ نفر افراد ایرانی جایگزین اتباع خارجی شده اند. لین موضوع، همانطور که از قبل هم معلوم بود، بخوبی شنان میهد که رژیم با اخراج کارگران «خارجی» هم توانسته ونمی تواند معضل بیکاری را حل کند. و در ضمن این تلاش سران رژیم که حضور کارگران «خارجی» مسبب بیکاری میلیونها ایرانی است. با شکست روپیو شده است. جایگزینی افراد ایرانی با اتباع خارجی، صرفاً بهانه ای است جهت تداوم سیاستهای ضد کارگری و ضد پناهندگی رژیم و برای اخراج کارگران و زحمتکشانی که از سایر کشورها برویه افغانستان، به ایران مهاجرت کرده و یا پناهنه شده اندوساله است در آنجایه کار و زندگی مشغولند.

جناح شکست خودده . . .

جامعه هر لحظه ملتیب تر میشد. اختلاف ونزاع در بیان، جامعه را بشدت متاثر ساخته بود و مسئله دیگر نمیتوانست در محدوده شهرداریها و یا جلو داشتگاه تهران باقی بماند. اگر ولایت فقیه و اختیاراتش یک مقوله دینی و مذهبی بود، پس مراکز دینی و مذهبی چگونه میتوانست از لین مسئله برکنار بمانوکشمکش های جاری به آن رسونخ نکند؟ چنین است که تحت تاثیر جو عمومی جامعه وفضای انتقاد واعتراض عمومی نسبت به ولی فقیه و نیز عکس العمل طرفان آن، حرزه علمیه قم و جامعه مدرسین حوزه علمیه نیز وارد معرفه میشوند! زمزمه های انتقاد آمیز موجود در لین مراکز پیرامون ولایت خامنه ای وصلاحیت های وی اندک شکل مشخص تری بخود میگرفت، پیش از آنکه اما کسی حرف مشخصی در مجالس عمومی بزیان براند، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در ۱۷ آبان با انتشار اطلاعیه تهیید آمیزی نسبت به طرح «انتیشه های اعتراض و توطئه» عده ای از دوستان کج اندیش ونا آگاه یا دشمنان مغرض» که با طرح مسائل متعدد زمینه های تعرض به برخی از حريم های مقنس انقلاب اسلامی را فراهم میکند هشدار میهد وکسانی را که درصد تعریض به «ارکان اسلام» برآمده اند آشکارا تهیید کرده و میگوید که در راستای «دفاع از مرجعیت ورهبری ولایت فقیه» هیچگاه اجازه نخواهد داد فرد یا افرادی در هر لیاس و مقام وسایقه ای به مقدسات انقلاب اسلامی تعرض کند. از شکسته شلن «حریم مقنس» ولایت فقیه «رکن اساسی» حکومت اسلامی اما، دیر زمانی گذشته بود و این تهییدها لاجم نمیتوانست راه پیجایی ببرد و تقویت مانع سخنرانی منتظری و نامه پراکنی های آذربایجانی گردد. اختلاف وکشمکش بالا گرفت و برغم واکنش سریع حکومت اما نزاع برسر این مسئله را پایانی نیست.

بالا گرفتن

قشچ در مناسبات عراق و آمریکا

باردیگر در چند هفته گذشته تشنج در مناسبات عراق و آمریکا بالا گرفت و یک بار دیگر مسئله بحران خلیج در صدر اخبار و گزارشات خبر گزاریها و مطبوعات جهان قرار گرفت. دولت عراق که پس از شکست در جنگ خلیج، پیوسته زیر فشار دولت آمریکا و تحریم هاو فشارهای بین المللی قرار داشته، هموار مترصد بوده و هست که از هر فرصت مناسبی استفاده کند تا آمریکا و سازمان ملل را وادار، محدودیتها را که دری بجنگ، از جمله در زمینه فروش نفت به آن تحمیل کرده اند، بردارند. این مسئله برای دولت عراق جنبه حیاتی دارد، چراکه تنها بین طریق میتواند نیروی عربیض و طویل نظامی خود را حفظ و موقعیت خویش را مستحکم سازد. سیاست آمریکا نیز در لین مدت ادامه محدودیتها و فشار بر دولت عراق ظاهرا به قصد مهار آن بوده است.

اما مسئله آمریکا و سیاست آن در مقابل عراق تنها مسئله مهار عراق نیست. عراق، امروز، بهانه و دست آوری در دست آمریکا بمنظور مداخلات نظامی در منطقه، استقرار نیروهای نظامی خود در خلیج فارس، حملات و پشتیبانی نظامی از شیخ سلاطین مرتاجع عرب، فروش میلیاردها دلار سلاح به رژیم های مرتاجع منطقه و از همه مهمتر تسلط بر منابع نفت و غارت و چپاول شرطهای مردم منطقه است. از لین روزت که دولت آمریکا از بحرانی شدن اوضاع بهره میگیرد و اساساً دنبال بهانه ای است تا برا هر حركت دولت عراق وضعیت را بحرانی ترکند تا بتواند به اهداف خود در منطقه جامه عمل پوشد و سیاستهای تاکنوئی خود را داده. اما این بار ظاهرا دولت آمریکا نمیتوانست آنگونه که میخواست اوضاع را متوجه کند. علت آن هم تضادها و کشمکش هایی است که از یک سو میان دولتهای اروپائی و آمریکا و از سوی دیگر روسیه و آمریکا وجود دارد و اخیراً هم تشید شده وسایتهای تاکنوئی خود را داده. اما این بار ظاهرا دولت آمریکا در پیشبرد سیاست خود هم در درون سازمان ملل متعدد شرکت کرد که در دادگاه این انتقام را نگیرد و این بار از اینکه اما کسی دریافت نموده و سفرای خود را فرا خوانند. اما این اعتراض بهمراه محکومیت سران حکومت در دادگاه برلین چنان خشم آنها را برلیگخت که برسره را بازگشت سفرا مانع ایجاد نمودند. بحران به درازا کشید و برغم تمام تلاش دولتهای اروپائی مبنی بریازگشت سفرا، جمهوری اسلامی از مواضع خود کوتاه نیامد. انعقاد قراردادهای جدید با شرکتهای اروپائی پیش آورد که بهر شکل ممکن این بحران را خاتمه دهد. این ماجرا پایان گرفت و بار دیگر داد. این تحولات نشان میهد که دیگر آمریکا در موقعيتی نیز که همچون گذشته بتواند سیاست خود را در منطقه پیش برد و از هر تحرک عراق بحران سیاسی و نظامی در منطقه پیدا آورد. برمنای همین محاسبات نیز هست که عراق خواهان لغو مجازاتهای سازمان ملل شده است. عجالتاً با قول وقرارها ووعده هایی که به عراق داده شده بحران فوکش کرده است، اما بعید بنظر میرسد که طرفین درگیر به آرامش اوضاع تن دهند.

افراد را که تبعه کشورهای اروپا هستند تحمل میکنند و می پنیرند، بشرط آنکه منافع اقتصادی و سودهای کلان آنها حفظ شود.

واقعیت امر این است که دولتهای اروپائی از همان آغاز ماجرا نیز اصلاً وابدا تمایلی به درگیری و کشمکش با جمهوری اسلامی نداشتند، چرا که حجم عظیمی از مبادرات و سرمایه گذاری های مالی آنها در ایران و یا جمهوری اسلامی است و این بابت سالانه میلیاردها دلار سود بجیب میزند. پس دلیلی نداشت که برس مسئله تزویسم جمهوری اسلامی، مناسبات حسنی خود را این کشکش و درگیری که تا حد یک بحران در مناسبات دیلماتیک پیش رفت، به دولت آلمان و دیگر دولتهای اروپائی تحمیل شد. دولت آلمان و دستگاه امنیتی آن از آغاز میخواستند که مسئله تور سران حزب دمکرات کردستان ایران به دست توریست های جمهوری اسلامی بی سروصا مختصه اعلام شود و مطلقاً نامی از جمهوری اسلامی به میان نیاید. اما مجموعه ای از عوامل داخلی و بین المللی برسره پیشبرد این سیاست مانع ایجاد کرد و شرایط را پیدا آورد که دادگاه برلین بتواند مستقل از اراده دولت آلمان، محکمکه متمهیم را دنبال کند و آن را تاروشن کردن نقش سران حکومت در لین تور پیش برد. اینجا دیگر دولت آلمان نمیتوانست از واکنش و اعتراض نسبت به جمهوری اسلامی سریازند. فشار افکار عمومی در آلمان، اروپا، جهان، فشار جناح های رقیب در آلمان و نیز فشار برخی قدرتهای بین المللی، دولت آلمان را ناگزیر به اعتراض و فرا خواندن سفیر خود نمود. دولتهای هم پیمان نیز بنا کنیز با آلمان اعلام همبستگی نموده و سفرای خود را فرا خوانند. اما این اعتراض بهمراه محکومیت سران حکومت در دادگاه برلین چنان خشم آنها را برلیگخت که برسره بازگشت سفرا مانع ایجاد نمودند. بحران به درازا کشید و برغم تمام تلاش دولتهای اروپائی مبنی بریازگشت سفرا، جمهوری اسلامی از مواضع خود کوتاه نیامد. انعقاد قراردادهای جدید با شرکتهای اروپائی در زمینه گذاری و استخراج نفت و کاز و تغییرات کلینه، فرصت جدیدی برای دولتهای اروپائی پیش آورد که بهر شکل ممکن این بحران را خاتمه دهد. این ماجرا پایان گرفت و بار دیگر نشان داده شد که منافع اقتصادی دولتهای اروپائی فراتاز هر ادعای باصطلاح بشر دوستانه لیست. آنها آماده اند با دولتی که در کشورهای آنها داشتند به تور مخالفین میزند و قتلهای نویسنده کان آنها صادر میکند، کنار پیلندو مناسبات حسنی ای داشته باشند، تنها باین شرط که امکان یابند به غارت و چپاول مردم ایران ادامه دهند و هر سال میلیاردها دلار سود بجیب بزندند.

یادداشت‌های سیاسی



مجاهدین، فاسازیها و آرام سازیها

□ «مسئل امنیت جان ما کارگوان کیست؟»

کارگران قالب ساز ماشین سازی تبریز، در اعتراض به شرطیت و عدم اینمی محیط کار، در برابر ساختمان اداره کل کار تبریز تجمع کرده و خواستار آن شدنند تا آئین نامه مشاغل سخت وزیان آور در مورد آنها به اجرا در آید. قالب سازان ماشین سازی تبریز، بدليل آنکه در محیط کار خود دانما با مواد شیمیائی خطرناک و بعض اسatan زا سرو کار دارند، پیوسته در معرض آسیب های جسمی و روحی میباشند. این کارگران که در شرطیت سخت و طاقت فرسانی بکار مشغولند، مکررا خواستار آن شده اند که آئین نامه مشاغل سخت وزیان آور در مورد آنها نیز به اجرا برسیل. مسومیت، کوری، تغییر شکل و حالت پوست و اختلالات عصبی، از جمله عوارضی است که برخی از کارگران این بخش به آن مبتلا شده اند. پس از مدت‌ها تلاش و مبارزه قالب سازان، مسئولین ذیربط درسال ۷۵ شغل این کارگران را جزو مشاغل سخت وزیان آور اعلام کردند. با این همه آئین نامه مربوطه هیچگاه در مورد آنها به اجرا کذاشته نشده و کارگران از مزایی آن محروم ماننتنبا الآخره پس از آنکه به اعتراض ها و نامه های مکرر کارگران به مسئولین و مراجعات آنها به ملیتی کارخانه نیز ترتیب اثری داده نشد، کارگران با تجمع اعتراض آمیز در برابر اداره کل کار تبریز، بار دیگر به طرح مطالبات خود پرداختند. کارگری که پوست دستش تغییر شکل یافته و حالت طبیعی خود را لازدست داده است، ضمن آنکه دست خود را به خبرنگار نشان می‌دهد میگوید «این است توجه کار با مواد شیمیائی و خطرناک!» کارگر دیگری که موهای صورتش در اثر تماس با مواد شیمیائی ریخته است میگوید «چهره من سند زند ای است بروضیعت ما کارگان که نمیتوان این واقعیت تلاخ را انکار کرد» کارگر دیگری از نایینا شدن دوستش بخاطر تماس با مواد شیمیائی سخن میگوید و اضافه میکند «یکی از دوستانم اختلال اعصاب پیدا کرده ویا های من هم بظرف فجیعی آسیب دیده اند» وهم او در ادامه وخطاب به مسئولین سوال میکند «مسئل امنیت جان ما کارگران کیست؟»

خبرنگار مربوطه درختمه گزارش خود نظر یک کارشناس شیمی را دربرداشته با کار با مواد شیمیائی سؤال کرده است و او میگوید «ماده ای بنام «بوكسی آرالید» از مواد شیمیائی بسیار مضر خطرناکی است که باید با احتیاط با آن کارکرد زیرا تاثیرات منفی آن براعصاب حواس پوست اجتناب نپذیر است و حتی سatan زا میباشد!»

□ کارگری در لای دستگاه، پرس شد

در شرکت لوله سازی خوزستان مثل سایر کارخانه ها

ضمن آرام سازی، این مسئله راکه جمهوری اسلامی از این قضیه و تبلیغ روی آن تا جلوه توانته است به نفع خود استفاده کند انکار نموده و از «موقعیت پیروزمند مقاومت ایران» نیز سخن بگوید. اصل قضیه حکایت از بدء بستان ارتیاج حاکم برایان وارتیاج امپریالیستی داشت که آشکارا نشانه نرمش دولت آمریکا درقبال حکومت اسلامی بعد از روی کار آمدن خاتمی بود. سیاست آمریکا در مجموع وعجالتا برکاهاش تشنج با جمهوری اسلامی و دراستی نزدیکی هرچه بیشتر ولو احتیاط آمیز با آن قراردادست. این سیاست کلی و لو آنکه به سیاست دانی آمریکا هم تبدیل نشده باشد، درهحال میباشندی درین یا آن قدم مشخص مثلا درسکوت و عقب نشینی اش درقبل انعقاد قرارداد شرکت توtal ویا همین کجاندن نام سازمان مجاهدین دریلیست سازمانهای «توريستی» متجلی گدد. و جمهوری اسلامی درست از همین اقدامات مشخص است که بتفع خود و دراستی خروج از ازدواج بین المللی نیز سود جسته است.

ارتیاج امپریالیستی دنبال سیاستها و منافع غارتگرانه و استثمارگری خوش است و دراین راستا دست هر مرتعی راکه درکار وی اخلال نکند خواهد فشرد، شیخ سعودی یا رفسنجانی یا خاتمی برایش چارچوب نرمش آمریکا دربرابر جمهوری اسلامی را دراین چارچوب و فقط درین چارچوب باید ارزیابی کرد. چنین تحرکاتی هرچند ممکن است تاثیرات معینی به نفع رژیم بر جای بگذارد، اما مطلقا نجات دهنده آن نیست. رژیم حاکم برایان قبل و بعد از خاتمی، رژیم اسلامی وارتیاجی است و یا بد سرنگون شود و سرنگون کنندگان رژیم ارتیاجی جمهوری اسلامی، کل حامیان ارتیاج اسلامی بیویه ارتیاج امپریالیستی را نیز بی جواب نخواهند کذاشت!

۱۴

کمکهای مالی خود را به شماره حساب
بانکی زیر واپیز و رسید آنرا به همراه کد
مورد نظر به آدرس سازمان ارسال نمائید.

I.W.A.
6932641 Postbank
Holland

گجاندن نام سازمان مجاهدین خلق درلیست سازمانهای «توريستی» توسط دولت آمریکا، اعلام و انتشار آن در هشتم اکتبر توسط آلبرات وزیر خارجه این کشور، بار دیگر درسازمان مجاهدین لوله بر پا نمود ویرا رهبران این جریان مغضبل جلیل آفرید. طرح این موضوع، مجاهد و شورای ملی مقاومت اش را آنهم بعد از سالها دوندگی و معطل ماندن در راههای کنگره آمریکا که با نشان دادن کمال حسن نیت خود نسبت به خواست وسیاست آمریکا بیویه درمنطقه، توانته بود روابط بالتبه حسن ای با عناصر ومحافل وابسته به آمریکا برقرار سازد و خود را آماده ساخته بود تا عنقریب از جانب این ها بعنوان یگانه آلتراستیو (رژیم آخرنی) به رسیت شناخته شود، خود وسازبزگش رادر رساندن به تهران مورد بدرقه وحمایت قرار ده، با محمصه جلیلی رویرو ساخت. این موضوع قبل از هچیز بروی نیروهای حاضر و آماده مجاهد که فازهای قبیم و جدید علیه ای را پشت سر گذاشته بودند واز مرحله تقسیم پست و مقامها، وزارت خانه ها، منصب و موقعیت ها هم عبورکرده و ملتها بودکه دیگرحتی رهبر، ولی فقیه، رئیس جمهور آنها هم مشخص شده بود و خلاصه آماده شده بودند تا جلدی از جوړخاک میهن به خود خاک میهن متنقل گند، تاثیرات بلاواسطه یا س آوری بر جای گذاشت ولا جرم از ریزی زیادی از رهبران مجاهدین میگرفت تا بار دیگر اوضاع را آرام سازند و فاز جلیلی اخراج کنند وینه بلا تصمیم مسخ شده تشکیلات خوش را به انتظار «شرایط نوین راهگشایی» بنشانند.

این آرام سازی طبق روال معمول بر عهد آقای مسعود رجوی مسئول شورای مقاومت، فرمانده ارتش آزادیبخش و رهبر بلا منازع و منحصر بفرد مجاهدین قرار گرفت و آقای رجوی در یک پیام رایوئی مورخ یازده آبان، سرو صدای زیادی پیرامون این مسئله برآ انداخت وسعي کرد تا

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جداگانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به آدرس زیر پست کنند.

**Postfach 5312
30053 Hannover
Germany**

نشانی سازمان بر روی اینترنت:
E-Mail: پست الکترونیک
info@fadaai-minority.org **http://www.fadaai-minority.org**



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 308, dec1997

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق